



نقطه وصل

به کوشش: سید روح الله سید حقى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْبَصْرَةِ وَالْمَدِينَةِ

نقطہ وصل

پرسش و پاسخ پیرامون انتخابات

بہ کوشش: سید روح اللہ سید حق

باکمال احترام

تقدیم به حضرت فاطمه زهرا علیہا السلام

فهرست

مقدمه.....	۱۳
پرسش ۱.....	۱۷
روش‌های امیدوار سازی و مقابله با هجمه‌ها و شبهات علیه انتخابات چیست؟ ۱۷	
یکم: فرهنگ سازی محور اصلی.....	۱۷
دوم: محورهای تبیین و امیدوار سازی.....	۱۸
پرسش ۲.....	۲۱
موانع عدم تحقق برگزاری یک انتخابات پر شور چیست؟.....	۲۱
یکم: انتخابات تهدیدی برای دشمن.....	۲۱
دوم: شگردهای دشمن.....	۲۲
پرسش ۳.....	۲۵
در انتخابات شرکت نمی‌کنم چون آراء مهندسی می‌شود و یا افراد از پیش مشخص شده‌اند.....	۲۵
یکم: دو معنای مهندسی انتخابات.....	۲۵
دوم: تنافی مهندسی انتخابات با اصرار بر حضور.....	۲۵
سوم: از ادعای بدون دلیل تا مهندسی ذهنی جامعه.....	۲۷
چهارم: سنجش ادعا با نتایج انتخابات.....	۲۷

- پنجم: الزامات فقهی و اخلاقی انتخابات ۲۸
- پرسش ۴** ۳۱
- ناآگاهی نسبت به سیاست چگونه می‌تواند منجر به عدم مشارکت یا مشارکت حداقلی در انتخابات گردد؟ ۳۱
- یکم: ناآگاهی از مفهوم مشارکت ۳۱
- دوم: پیامدهای ناآگاهی سیاسی ۳۲
- سوم: دوگانه دولت - ملت؛ مهم‌ترین ریشه ناآگاهی سیاسی ۳۲
- چهارم: سیاست ناآگاه ماندن مردم ۳۴
- پنجم: مذمت جهل و بی‌توجهی به جامعه و سرنوشت خود ۳۴
- پرسش ۵** ۳۷
- در کنار «ناآگاهی از سیاست» آیا می‌توان عامل تربیتی مهم دیگری را نام برد که موجب کم شدن مشارکت می‌شود؟ ۳۷
- یکم: اقسام تنبلی و مذمت آن ۳۷
- دوم: ریشه‌های تنبلی اجتماعی ۳۹
- چهارم: چرایی تنبلی ۳۹
- پنجم: تنبلی برخی مسئولین و پایین آمدن مشارکت ۴۰
- ششم: مسئولیت‌پذیر بودن، نقطه مقابل تنبلی ۴۰
- پرسش ۶** ۴۵
- تأثیرپذیری از شبهات دشمن چه حجمی از عدم مشارکت در انتخابات را به خود اختصاص می‌دهد؟ ۴۵
- یکم: معنای شبهه ۴۵
- دوم: ضرورت پاسخ به شبهات ۴۵

سوم: پرهیز از قرار دادن خود در مقابل شبهات..... ۴۷

چهارم: پرهیز از مشتبه کردن امور بر خود..... ۴۷

پرسش ۷..... ۵۱

آیا عدم شرکت در انتخابات به بهانه واگذاری امور به خدای متعال صحیح است؟

و با وجود پذیرش قضا و قدر جایی برای اراده انسان باقی است؟..... ۵۱

یکم: معنای تقدیرگرایی..... ۵۱

دوم: برداشت اشتباه از تقدیرگرایی..... ۵۲

پرسش ۸..... ۵۵

راهکار تقویت روحیه ناامیدی از تحول و بهبود وضعیت چیست؟..... ۵۵

یکم: اهمیت و جایگاه امید..... ۵۵

دوم: راهکار مقابله با ناامیدی..... ۵۶

چهارم: نرسیدن به کمالات دلخواه و ناامیدی..... ۵۸

پنجم: نگاه مادی صرف و بی توجهی به معنا..... ۵۹

پرسش ۹..... ۶۱

ارزیابی فرهنگ ایرانیان نسبت به مقوله مشارکت در ادوار تاریخی چگونه بوده

است؟..... ۶۱

یکم: سابقه مجلس و مشورت..... ۶۱

دوم: مشورت در اسلام..... ۶۲

سوم: مشارکت نهی از منکری عالمان دینی..... ۶۳

چهارم: مقایسه مشارکت ایرانیان با برخی کشورهای مدعی دموکراسی..... ۶۵

پنجم: نظریه مردم سالاری دینی و گشودن باب جدیدی در مشارکت..... ۶۶

پرسش ۱۰..... ۶۷

انتخابات چگونه می تواند در ایجاد یک جامعه توحیدی نقش داشته باشد؟ .. ۶۷

یکم: اراده الهی ۶۷

دوم: ترسیم تحقق اراده الهی ۶۸

سوم: مستکبرین عالم و تغییر صف توحیدی ۷۰

پرسش ۱۱ ۷۳

با وجود وضعیت اسفبار کشور چه امیدی به انتخابات و شرکت در آن وجود دارد؟ ۷۳

یکم: توجه به جایگاه کشور و پرهیز از تمرکز بر نقاط ضعف ۷۳

دوم: توجه به پیشرفت ها و دستاوردهای انقلاب ۷۴

سوم: تلاش در جبران نقاط ضعف ۷۶

چهارم: مطالبه گری از مسئولان ۷۷

پرسش ۱۲ ۷۹

فلسفه مجلس شورای اسلامی و وظایف عمده آن چیست؟ ۷۹

یکم: فلسفه و مبنای وجودی مجلس شورای اسلامی ۷۹

دوم: وظایف عمده مجلس ۸۱

پرسش ۱۳ ۸۵

تاریخچه مجلس به شکل کنونی در ایران به چه دورانی بازمی گردد؟ ۸۵

یکم: مجلس شورای دولتی ۸۵

دوم: مجلس عالی یا مجلس فوق العاده ۸۶

سوم: مجلس شورای ملی ۸۷

چهارم: مجلس سنا ۸۹

پنجم: مجلس مؤسسان ۹۰

پرسش ۱۴ ۹۳

فرایندهای کاری مجلس چگونه است؟	۹۳
یکم: برنامه جلسات علنی مجلس	۹۳
دوم: بررسی طرح‌ها و لوایح و تصویب آن‌ها	۹۶
سوم: جلسات غیرعلنی	۹۶
چهارم: ساختار تشکیلاتی مجلس	۹۷
معاونت نظارت	۹۷
معاونت قوانین	۹۷
معاونت اجرایی	۹۸
اداره کل بین‌المللی	۹۸
پرسش ۱۵	۹۹
آسیب‌های مشارکت حداقلی در انتخابات برای کشور چه هستند؟	۹۹
یکم: آسیب‌های امنیتی	۹۹
دوم: آسیب‌های ملی	۱۰۰
سوم: آسیب‌های بین‌المللی	۱۰۱
چهارم: آسیب از دست‌دادن تصمیم‌سازی و کشف افکار جدید	۱۰۲
پنجم: آسیب‌های اقتصادی	۱۰۲
پرسش ۱۶	۱۰۵
آیا عدم شرکت در انتخابات به خاطر مخالفت با وضعیت موجود اقتصادی و کم‌کاری مسئولین، گزینه مناسبی است؟	۱۰۵
یکم: انتخابات فرصتی برای انتخاب مسئولین لایق	۱۰۵
دوم: انتخاب صحیح‌ترین گزینه	۱۰۶
پرسش ۱۷	۱۰۷

برخی افراد مذهبی مدعی هستند از آنجایی که عالمان شیعه در اعصار گذشته از امور حکومتی رویگردان بوده‌اند، نباید در سیاست و انتخابات دخالت داشت. چه پاسخی به این افراد می‌توان داد؟	۱۰۷
یکم: مشارکت ائمه علیهم‌السلام با حکومت‌ها به خاطر مصلحت اسلام	۱۰۷
دوم: مشارکت عالمان دینی با حکومت‌ها	۱۰۸
سوم: حکومت اسلامی آرزوی همه انبیاء و اولیاء علیهم‌السلام	۱۰۸
فهرست‌ها	۱۱۱
کتابنامه	۱۱۳
فهرست آیات	۱۱۹
فهرست روایات	۱۲۱
فهرست اشعار	۱۲۳
نمایه	۱۲۵

مقدمه

انتخابات جلوه‌ای از مشارکت مردمی در رشد و اعتلای کشور و «نقطه‌اساسی وصل افکار و آرای مردم به بدنه‌ی نظام»^۱ است. از یک جهت حقی است که بی‌توجهی به آن پیامدهای فردی و اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد و سوی دیگر تکلیفی است که تا رسیدن به سرمنزل مقصود باید از آن مراقبت نمود.

انتخابات پرشور، هرگز مسئله‌ای تک‌فرآیندی نیست و یک شخص یا یک گروه نمی‌تواند عهده‌دار آن باشد بلکه مشارکت و حضور همگانی را طلب می‌کند. مفهوم مشارکت به‌خوبی گویای آن است که سرانجام یک کشور با شرکت همه‌ی آحاد ملت در تعیین سرنوشت خود شکل می‌گیرد. به همین خاطر لازم است در قبال فرهنگ‌سازی برای مشارکت در همه‌ی مسائل اجتماعی، تلاش داشت تا آنجایی که هرگونه بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود، نه‌تنها موجب رفع مشکلات نشده بلکه زمینه‌های آسیب همگانی کشور و همه مردم را فراهم می‌آورد.

اگر نگاه به انتخابات و اهمیت آن در ذیل حکومت اسلامی و پیشبرد اهداف آن تعریف گردد آنگاه مشخص می‌شود که تشکیل حکومت اسلامی در عصر ما یک فرصت بی‌نظیر و آرزوی همه انبیاء و اولیای الهی علیهم‌السلام بوده است. پوشیده

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و*

نیست که احکام الهی تنها در صورتی قابلیت اجرا دارد که حکومت در دست متدینین باشد و چنین چیزی جز با مشارکت همه علاقه مندان به اسلام ممکن نیست. متأسفانه برخی افراد به خاطر بی اطلاعی از تاریخ یا داشتن روحیه ای ضعیف و عدم اتکا به خداوند متعال، قدردان این فرصت تاریخی نیستند و با کوچکترین مشکل، دست از حمایت از انقلاب کشیده و یا دلسرد و ناامید می شوند. در حالی که اگر از تاریخ آگاه بودند، می دانستند که در قرون گذشته درخواست بزرگان شیعه از حاکمان وقت، به جلوگیری از شراب خواری یا کبوتربازی برخی جوانان و مسائلی از این دست محدود می شده است در حالی که امروزه در جمهوری اسلامی اهداف بسیار بزرگی که تصور آن در زمره محالات بوده، در حال اجرایی شدن است تا آنجایی که ایجاد تمدن اسلامی یکی از آن هاست.

مورخان نوشته اند بعد از اینکه در مراسم تاج گذاری شاه سلطان حسین صفوی، علامه مجلسی رحمته الله علیه با دست خود شمشیر سلطنت را به کمر شاه بست و خطبه مراسم تاج گذاری را نیز انشاء نمود شاه صفوی در مقام سپاس از این اقدام علامه اظهار داشت:

در عوض این خدمت چه خواسته ای دارند تا آن ها را برآورده سازد. علامه مجلسی رحمته الله علیه سه خواسته را عنوان کرد: نخست، منع شراب؛ دوم، منع جنگ طایفه ها و سوم، منع دستجات کبوتربازی. شاه خواسته های ایشان را پذیرفت و بی درنگ فرمان لازم را صادر کرد.^۱

بنابراین به نظر می رسد در رابطه با فرهنگ انتخابات و بسط و تبیین مفهوم

۱. فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی؛ شماره ۲۰؛ ص ۲۱۱.

مشارکت هنوز جای کار بسیاری وجود دارد. این مسئله به قدری مهم است که رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه یکی از سال‌ها را به نام «همبستگی ملی و مشارکت عمومی» نام‌گذاری کرده‌اند.

ملت ایران برای اینکه رشد و پیشرفت لازم را در همه‌ی صحنه‌ها - که شایسته‌ی آن است - به دست بیاورد، احتیاج دارد به تقویت همبستگی ملی و مشارکت عمومی در همه‌ی میدان‌های طلب‌کننده‌ی حضور ملت. کشور متعلق به ملت ایران است؛ آینده هم متعلق به این ملت است؛ امروز و فردا را هم ملت ایران ساخته‌اند و می‌سازند.^۱

به هر روی «مشارکت، یکی از اساسی‌ترین مسائل است. حضور مردم برای پیشرفت و صیانت کشور لازم است».^۲

اثر حاضر برگرفته از سخنرانی‌ها و پرسش و پاسخ‌های استاد بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین امین شمشیری در جمع عزیزی از اهل دانشگاه، طلاب، مبلغین و فضلاء حوزه‌های علمیه، مدیران محترم آموزش و پرورش، جوانان رأی‌اولی و دیگر اقشار و گروه‌های مردمی است که در دی و بهمن‌ماه ۱۴۰۲ در شهر قم ایراد شده است و اکنون پس از جمع‌آوری سریع و گزینش برخی از پرسش‌های منتخب در مدتی بسیار کوتاه در «قارگاه مردمی حضور» آماده و اکنون مقابل دیدگان خوانندگان محترم قرار دارد.

از آنجایی که این اثر رسالت اصلی خود را اعتلای فرهنگ انتخابات و تقویت روحیه امیدمی‌داند و از این دریچه به پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده است

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت الله)؛ *بیانات در دیدار ژانرین و مجاورین حرم مطهر رضوی*؛ ۱۳۸۴/۰۱/۰۱.

۲. سیدعلی خامنه‌ای (آیت الله)؛ *بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی*؛ ۱۳۸۴/۰۳/۰۵.

از خواننده گرامی انتظار می‌رود نگاهی منظومه‌ای به متن کتاب داشته باشد. به هر تقدیر روح کلی این اثر بالا بردن سطح مشارکت و ایجاد انگیزه در افراد است و در این باره تلاش شده است از دانش‌ها و شیوه‌های مختلفی اعم از تربیتی، افناعمی، اجتماعی و عقلی بهره‌گیری شود. در پایان از همکارانم در سازمان بسیج طلاب و روحانیون استان قم و نیز پایگاه مقاومت بسیج خواهران مدرسه شهید حسن حاج غفاری و مسئولان محترم آن که آغازگر این سلسله جلسات بودند تشکر ویژه می‌نمایم.

سید روح‌الله سید حقی • چهاردهم بهمن ماه ۱۴۰۲

پرسش ۱

روش‌های امیدوارسازی و مقابله با
هجمه‌ها و شبهات علیه انتخابات
چیست؟

یکم: فرهنگ‌سازی محور اصلی

شبهات انتخابات و پرسش‌های پیرامون آن دارای دشواری فراوانی نیست چراکه هر انسان فهیمی بر لزوم مشارکت در سرنوشت خود و کشورش صحنه می‌گذارد. با این وجود آنچه برخی افراد را بر عدم شرکت در انتخابات سوق می‌دهد پاره‌ای عوامل همچون نارضایتی از عملکرد برخی مسئولان و نیز موارد دیگری مثل فهم اشتباه و ناآگاهی از مفهوم مشارکت در ساختن کشور است.

بنابراین تبیین در این زمینه می‌تواند تا حدود زیادی منجر به روشننگری شود. به هر روی روشننگری و تبیین، رمز موفقیت است اما باید توجه داشت که فرآیند فرهنگ‌سازی امری زمان‌بر است و به یک باره به دست نمی‌آید. هرچند که نوع فوری آن نیز حقیقتاً راهگشاست و به بهانه طولانی بودن زمان فرهنگ‌سازی نباید اقدامات فوری ترک شود.

دوم: محورهای تبیین و امیدوارسازی

مطابق با آنچه گفته شد عناوینی که در ادامه ذکر می‌شود مهم‌ترین محورهای فرهنگ‌سازی و تبیین در عرصه انتخابات است.

۱. تبیین جایگاه نظام و حکومت اسلامی در ذیل مسئله توحید و تحقق اراده الهی.^۱

۲. تبیین جایگاه نظام و حکومت اسلامی در ذیل مکتب تشیع و اندیشه مهدویت.

۳. تبیین وضعیت کشورهای فاقد نظام اسلامی و کشورهای مسلمان بدون حکومت اسلامی.

۴. تبیین دستاوردها و پیشرفت‌های فراوان کشور و مقایسه رشد بی‌سابقه ایران نسبت به ادوار تاریخی خود و دفع سیاه‌نمایی‌هایی که علیه کشور انجام می‌شود.^۲

۵. تبیین شرایط روحی و روانی فردی و جمعی لازم برای پیشرفت مناسب و توضیح چگونگی موفقیت انسان‌های خستگی‌ناپذیر در تغییر سرنوشت کشور خود و نیز بیان دلایلی در رابطه با چگونگی پیشرفت کشورها با تکیه بر مباحث انسان‌شناسانه.^۳

۱. ر.ک: پرسش دهم.

۲. ر.ک: پرسش یازدهم.

۳. ر.ک: پرسش هشتم.

۶. تبیین چگونگی تحقق اراده الهی و اینکه مؤمنین راهی جز تلاش در ظرف حق شدن ندارند؛ بنابراین کنار کشیدن از عرصه سیاست و بی تفاوتی نسبت به آینده خود و یا انتخاب افراد نامناسب، عملی خلاف رضایت الهی به شمار رفته و آسیب‌های فراوان آن به واسطه روی کار آمدن افراد نالایق، گریبان گیر همگان می‌شود.^۱

۷. بالا بردن فرهنگ عمومی کشور و مطالبه‌گری برای موظف سازی مسئولین و جهت‌دهی به آنان برای انجام وظایف.^۲

۸. پاسخ به شبهات انتخابات و هجمه‌های دشمن.^۳

۹. آگاهی بخشی نسبت به فرهنگ حضور و مفهوم مشارکت از راه‌های مختلف و بیان سابقه تاریخی ایرانیان در توجه به امور اجتماعی خود.^۴

۱۰. آگاهی بخشی نسبت به وظایف مجلس شورای اسلامی و نقش اساسی آن و نیز مجلس خبرگان رهبری.^۵

۱۱. آسیب‌شناسی موانع حضور پرشور مردمی.^۶

۱. ر.ک: پرسش دهم.

۲. در بیشتر پاسخ‌های این کتاب محور فرهنگ‌سازی مورد توجه است.

۳. ر.ک: پرسش ششم.

۴. ر.ک: پرسش چهارم.

۵. ر.ک: پرسش‌های دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم.

۶. ر.ک: پرسش دوازدهم.

۱۲. بررسی آسیب‌های مشارکت حداقلی در ساحت‌های امنیتی، اقتصادی، جایگاه و موقعیت منطقه‌ای و جهانی و...^۱

۱۳. بیان سیره عملی معصومین علیهم‌السلام و اصحاب آن بزرگواران و نیز عالمان بزرگ شیعه در بی‌توجه نبودن به امور اجتماعی و وضعیت جامعه.^۲

۱۴. تبیین جایگاه تربیت فردی و جمعی و نسبت آن با رشد کشور در ذیل عوامل بد تربیتی همچون تنبلی، ضعف روحیه، عدم استقامت، وادادگی سیاسی و...^۳

توضیح تفصیلی موارد گفته شده در ذیل پرسش‌های دیگر خواهد آمد.

۱. ر.ک: پرسش پانزدهم.

۲. ر.ک: پرسش هفدهم.

۳. ر.ک: پرسش پنجم.

پرسش ۲

موانع عدم تحقق برگزاری یک انتخابات

پر شور چیست؟

از منظرهای مختلفی می‌توان به این پرسش پاسخ داد چراکه علل متفاوت درونی و بیرونی همچون دشمنی دشمنان، شبهات، تنبلی اجتماعی، جهل نسبت به وظایف سیاسی، کم‌کاری برخی از مسئولین، ضعف روحیه افراد و... همگی باعث عدم برگزار شدن یک انتخابات پرشور است.

در اینجا تنها به یکی از عوامل مخالفت نسبت به اصل انتخابات اشاره می‌شود.

یکم: انتخابات تهدیدی برای دشمن

مهم‌ترین گروهی که به هر طریقی با برگزاری انتخابات مخالفت می‌کنند و یا در آن خدشه وارد می‌کند، دشمنان انقلاب اسلامی و عناصر آن هستند. فلسفه تلاش دشمنان در عدم برگزاری انتخابات و یا کم‌رونی آن به این خاطر است که انتخابات برای دشمن تهدیدی جدی محسوب می‌شود.

انتخابات برای کشور ما و ملت ما یک فرصت است، برای دشمنان ما یک

تهدید است؛ انتخابات را دست کم نباید گرفت.^۱

دوم: شگردهای دشمن

شگردهای دشمن برای رسیدن به اهداف خود استفاده از کلیدواژه‌های تخلف، انتخابات غیر آزاد، انتخابات مهندسی شده^۲، انتصابات به جای انتخابات، ایجاد دوقطبی‌های کاذب بین مردم و نظام و... است. هرچند دشمنی دشمنان کاملاً روشن بوده و عدم صداقت آن‌ها نیاز به توضیح ندارد اما متأسفانه آنچه برخی از مردم را به تردید و می‌دارد همسویی برخی افراد در داخل کشور با دشمن است.

دشمن فعال است، تازگی هم ندارد؛ دشمنان از همان سال‌های اول روی انتخابات ما همیشه علامت سؤال می‌گذاشتند. گاهی می‌گفتند که در این انتخابات تخلف شده، گاهی می‌گفتند مهندسی شده است؛ خارجی‌ها از این حرف‌ها مکرر می‌گفتند. خیلی هم تأثیری نداشت، در مردم تأثیری ندارد. مردم به فلان رادیوی خائنی که اجتماعات عظیم میلیونی را می‌گویند چند هزار نفر اما اگر چنانچه دویست نفر آدم در خیابان مشغول شرارت بشوند، می‌گویند ملت ایران، اطمینان نمی‌کنند، اعتماد نمی‌کنند؛ معلوم است. لکن این مشروط بر این است که از داخل به آن‌ها مایه داده نشود.

تأکید بنده روی این است. توجه بکنند گویندگان و کسانی که تربیون‌هایی در اختیار دارند، جایگاهی دارند و می‌توانند حرف بزنند - چه در رسانه‌ها، چه در فضای مجازی - جوری حرف نزنند که دشمن سوءاستفاده کند و از

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۲. رک: پرسش سوم.

قول آن‌ها این مطلب را چند برابر بزرگ کند و مایه‌ی دلسردی مردم در انتخابات بشوند. وقتی شما بگویید این انتخابات مهندسی شده است، خب مردم دلسرد می‌شوند. وقتی شما بگویید که اینجا دموکراسی نیست، این‌ها انتخابات نیست، انتصابات است، خب مردم دلسرد می‌شوند؛ درحالی‌که این دروغ است، چنین چیزی نیست.^۱

محور تلاش‌های دشمن از القاء شبهات، ایجاد شکاف و جدایی میان مردم و نظام است.

یکی از هدف‌های دائمی جبهه‌ی دشمن - که در رأسش هم آمریکا است - از اوّل انقلاب تا امروز این بوده است که یک دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام به وجود بیاورد؛ درست عکس آن چیزی که جمهوری اسلامی بر اساس آن بنا شده است؛ یعنی آمیختگی کامل نظام با مردم. آن‌ها خواسته‌اند این شکاف را به وجود بیاورند؛ البته موفق نشده‌اند. انتخابات از جمله‌ی مواردی است که دشمن را در این عرصه مأیوس می‌کند؛ یعنی نشان‌دهنده‌ی ارتباط مستحکم نظام با مردم است و این دوقطبی مورد علاقه‌ی دشمن را به کلی از بین می‌برد. به این اعتبار، انتخابات مصداق «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ»^۲ است.^۳

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۲. محمد: ۷.

۳. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران*؛ ۱۳۹۴/۱۱/۱۹.

پرسش ۳

در انتخابات شرکت نمی‌کنم چون آراء
مهندسی می‌شود و یا افراد از پیش
مشخص شده‌اند.

یکم: دو معنای مهندسی انتخابات

متأسفانه در برخی از ادوار انتخابات شبهه مهندسی شدن آراء توسط برخی افراد و جریان‌ها به صورت مدام تکرار و رسانه‌ای شده است.^۱ با بررسی ادعاهای این افراد می‌توان به دو معنای عام و خاص برای واژه مهندسی انتخابات رسید. در نوع عام آن، قائل هستند که فرد یا افراد مورد نظر از پیش تعیین شده است؛ و در نوع خاص آن معتقد هستند فضا به گونه‌ای مدیریت و مهندسی می‌شود که برخی کاندیداها نتواند در انتخابات شرکت کنند و یا رأی آورند. در ادامه به بررسی این شبهه می‌پردازیم.

دوم: تنافی مهندسی انتخابات با اصرار بر حضور

اگر قرار بود آراء مهندسی شود توصیه‌های فراوان به حضور در انتخابات از سوی

۱. در برخی روزنامه‌های جریان اصلاحات با چنین عناوینی برخورد می‌کنیم: «مهندسی کردن انتخابات، توهین به شعور مردم است». «مشارکت بالا می‌خواهید از مهندسی کردن انتخابات پرهیز کنید».

رهبر معظم انقلاب علیه السلام و مسئولین مختلفی که دارای جهت گیری ها و سلیق متفاوتی هستند بی معنا بود.

اصل حضور مردم در صحنه ی انتخابات مهم است؛ زیرا مشارکت عمومی نشان دهنده ی همبستگی ملی است و همبستگی ملی می تواند در مقابل توطئه های دشمنان به کشور مصونیت ببخشد. دشمن از اختلافات سود می برد و از تشتت آراء مردم سوء استفاده می کند. دشمن از دودستگی ها و فتنه گری ها و جنگ افروزی های داخل کشور استفاده می کند. وقتی یک ملت یکپارچه و یکدست باشد و مسئولان کشور همه با یکدیگر همدل و همراه باشند، شمشیر دشمن کند می شود و جرئت نمی کند به چنین کشور و ملتی نظر بد بیندازد و با او به چشم توطئه نگاه کند. مشارکت مردم در امر انتخابات می تواند این همبستگی ملی را در مقابل چشمان دشمن عنود و حيله گر به نمایش بگذارد و به ملت و کشور ما مصونیت ببخشد. لذا من بارها گفته ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهم تر است؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد.^۱

اساساً بنای جمهوری اسلامی و سیاست راهبردی آن بر حضور مردمی و مشارکت است.

اعتماد به مردم، عقیده ی واقعی به مشارکت مردم. بعضی ها اسم مردم را می آورند؛ اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می آورند؛ اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است.^۲

۱. سیدعلی خامنه ای (آیت الله)؛ *بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت*؛ ۱۳۸۴/۰۲/۱۷.

۲. سیدعلی خامنه ای (آیت الله)؛ *دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت*؛ ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.

توصیه‌های رهبر انقلاب پیرامون حضور مردمی به موارد گفته شده خلاصه نمی‌شود و ایشان بارها به مشارکت توصیه فرموده‌اند.^۱

سوم: از ادعای بدون دلیل تا مهندسی ذهنی جامعه

هر ادعایی پیش از بررسی نیازمند ارائه دلیل و مدرک است. گزاره مهندسی شدن انتخابات یکی از ادعاهایی است که علاوه بر اینکه از پشتوانه لازم برخوردار نیست بلکه اتفاقاً خلاف آن (رأی آوردن نامزدهای مورد نظر این گروه) محقق و ثابت شده است.

بنابراین ادعای بدون دلیل فاقد اعتبار و ارزش کافی برای پاسخ و پرداختن است و کسانی چنین ادعاهایی را برای برهم زدن آرامش روانی جامعه مطرح می‌کنند اتفاقاً خود مشغول مهندسی کردن اذهان مردم و انتخابات با اشاعه بی‌اخلاقی در جامعه هستند.

چهارم: سنجش ادعا با نتایج انتخابات

در برخی از ادوار انتخابات نامزدهایی رأی آورده‌اند که اتفاقاً رسانه‌های آنان شبیه مهندسی شدن انتخابات را اشاعه می‌دادند؛ و نیز گهگاهی خود این کاندیداها کلیدواژه انتخابات آزاد و یا شبیه مهندسی شدن انتخابات را مستقیماً یا تلویحاً به کار برده‌اند. ناگفته پیداست که رأی آوردن چنین افرادی دال بر عدم مهندسی شدن انتخابات بوده است.

۱. برای نمونه جدیدترین سخن حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام: سیاست راهبردی امام بزرگوار آوردن مردم وسط صحنه، سپردن پرچم مبارزه به دست مردم [است]. (سیدعلی خامنه‌ای (آیت الله)؛ بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۹/۱۰/۱۴۰۲).

بنابراین در دفع این شبهه می‌توان این‌طور استدلال آورد که در ادواری که رسانه‌ها مدعی بودند انتخابات از پیش تعیین شده است، اتفاقاً افرادی آراء را تصاحب کرده‌اند که متعلق به گروه مدعی مهندسی شدن انتخابات بوده‌اند.

پنجم: الزامات فقهی و اخلاقی انتخابات

انتخابات برای نظام و رهبری دارای شرایط فقهی و اخلاقی است. توضیح اینکه در جمهوری اسلامی، رأی مردم از یک جهت امانتی الهی و از جهت دیگر حق الناس محسوب می‌شود و از این بابت تلاش بسیاری برای صیانت انتخابات صورت می‌گیرد. در ادامه به برخی از این موارد در ذیل حق الناس بودن رأی مردم در بیان رهبر معظم انقلاب اشاره می‌شود:

رأی مردم هم به معنای واقعی کلمه حق الناس است؛ حق الناس است. وقتی می‌آید برادر و خواهر ایرانی در انتخابات شرکت می‌کند و رأی در صندوق می‌اندازد، رعایت این حق او واجب شرعی است، واجب اسلامی است؛ در این امانت او نباید خیانت کرد؛ واقعاً حق الناس است. نتیجه‌ی آراء هم هرچه شد، بایستی به آن ملتزم بود؛ این هم حق الناس است. اینکه ما در سال هشتادوهشت در مقابل کسانی که اصرار می‌کردند باید انتخابات باطل بشود ایستادیم، به خاطر همین بود که از حق الناس دفاع کردیم. چهل میلیون [نفر] - بالاترین نصاب انتخابات - در سال هشتادوهشت در [دادن] آراء شرکت کردند. خب، یک نتیجه‌ای داد. هر کسی [هم] برنده‌ی این انتخابات می‌شد، ما همین‌جور می‌ایستادیم، دفاع می‌کردیم. بنده از حق الناس دفاع کردم، از حق مردم دفاع کردم. باز هم هر وقتی که مردم رأی بدهند - به هر کسی که مردم بپسندند و بپذیرند و رأی بدهند - بنده از رأی مردم دفاع خواهم کرد؛ پشت سر مردم خواهم ایستاد.

رأی مردم حقّ النَّاس است. ما بپنخود این اعتمادی را که مردم به نظام دارند، با حرف‌های بی منطق مخدوش نکنیم. گاهی به وزارت کشور ایراد می‌گیرند، گاهی به شورای نگهبان ایراد می‌گیرند.

شورای نگهبان، چشم بینای نظام برای انتخابات است؛ در همه‌ی دنیا هم یک چنین چیزی وجود دارد - حالا اسمش چیز دیگر است؛ اینجا اسمش شورای نگهبان است - مراقبند، ببینند آن کسی که وارد میدان انتخابات می‌شود، نامزد انتخابات می‌شود، آیا صلاحیت دارد یا نه؛ و باید احراز کنند صلاحیت را؛ اگر دیدند که کوتاهی شده است و آدمی که صلاحیت ندارد وارد شده، جلوی او را می‌گیرند؛ این حقّ آن‌ها است، حقّ قانونی آن‌ها است، حقّ عقلی و منطقی آن‌ها است؛ بعضی بپنخود ایراد می‌کنند. بخشی از این حقّ النَّاس، همین حقّ رأی شورای نگهبان است؛ همین حقّ نظارت استصوابی و مؤثر شورای نگهبان است؛ این جزو حق الناس است، این را باید رعایت کرد، این را باید حفظ کرد. انتخابات مهم است.^۱

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت الله)؛ بیانات در دیدار افشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۴/۰۶/۱۸.

پرسش ۴

ناآگاهی نسبت به سیاست چگونه
می‌تواند منجر به عدم مشارکت یا مشارکت
حداقلی در انتخابات گردد؟

یکم: ناآگاهی از مفهوم مشارکت

چنانچه گفته شد برخی مسائل همچون دشمنی دشمنان^۱ و یا کم‌کاری و عملکرد نامناسب برخی از مسئولین و نیز عوامل دیگری مشارکت در انتخابات را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما پاره‌ای مسائل دیگر همچون جهل و ناآگاهی از سیاست در مشارکت پایین در انتخابات دخیل است. حقیقت آن است که برخی از افراد آگاهی مناسبی از مفاهیمی همچون مشارکت نداشته و می‌پندارند که صرفاً و بدون مشارکت باید افرادی همه امورات آن‌ها را اصلاح کنند درحالی‌که مردم باید حضور و نظارتی همیشگی بر مسئولین داشته باشند و با مطالبه‌گری خود به عملکرد آن‌ها جهت بدهند.

این‌طور نیست که یک گروه مشخص یا یک یا چند شخص به‌تنهایی بتوانند سرنوشت یک کشور را تغییر دهند. رشد و تقویت یک کشور زمانی صورت

۱. ر.ک: پرسش دوم.

می‌پذیرد که همه آحاد ملت خود را موظف بدانند و با انتخاب افراد شایسته این مهم را به سرانجام برسانند.

ما مشکل اقتصادی داریم، شکی نیست؛ ضعف‌های گوناگونی بوده، ادامه پیدا کرده؛ این ضعف‌های اقتصادی وجود دارد، در این هیچ تردیدی نیست؛ این‌ها را به رخ می‌کشند، درحالی‌که اگر در یک موردی دقت بشود، تحقیق بشود، بیشتر این ضعف‌های اقتصادی هم به خاطر عدم حضور مردم است؛ آنجاهایی که مردم حضور داشتند، این ضعف‌ها کمتر است.^۱

دوم: پیامدهای ناآگاهی سیاسی

ناآگاهی سیاسی نسبت به نقش اجتماعی دارای پیامدها و آسیب‌هایی است. عدم مشارکت می‌تواند شرایط را برای انتخابات غیر پر شور و یا حضور افراد و گروه‌های نامناسب برای تصدی مسئولیت‌ها، فراهم آورد. همچنین تبعاتی همچون امنیتی شدن کشور، کاهش رشد اقتصادی و آسیب‌های دیگری در این زمینه وجود دارد که در جای خود بحث شده است.^۲

سوم: دوگانه دولت - ملت؛ مهم‌ترین ریشه ناآگاهی سیاسی

داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که دوگانه ملت - دولت در ادوار تاریخی ایران باعث شده است که به‌آسانی نتوان با ناآگاهی سیاسی مبارزه کرد. در گذشته و تا پیش از انقلاب فرانسه در ۱۷۷۰ میلادی و یا اجرای مشروطه در ایران، حکومت‌ها در دست پادشاهان و سلاطین بوده است. هنوز هم در

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)، بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۴۰۲/۱۰/۱۹.

۲. رک: پرسش پانزدهم.

برخی کشورهای غیر متمدن، پادشاهان حاکم هستند. در این شیوه از حکومت داری که مردم سالاری در آن جای نداشته و همیشه یک سلطان و پادشاه در رأس آن بوده است دوگانه‌ای به نام دولت - ملت را بنیان نهاده است. یعنی مردم در حکومت جز باج و مالیات دادن و یا حضور در جنگ‌ها هیچ نقش دیگری نداشته و همه تصمیمات توسط دولت‌ها گرفته می‌شده است.

این مسئله در همه دنیا وجود داشته است و باعث شده بود که مردم در عمل هیچ کاره باشند و فرهنگ سیاسی و مشارکت در میان آنان رشد نکند. هنوز بقایای این فرهنگ در میان برخی از مردم ما وجود دارد و باعث شده است به آسانی نتوان با ناآگاهی سیاسی مبارزه کرد.

پس دوگانه دولت - ملت باعث می‌شود که افراد در آینده خود مشارکت نکرده و مدام از یک نفر یا عده‌ای انتظار اصلاح امورات زندگی اجتماعی خود را داشته باشند. در حالی که انسان بالطبع مدنی است و باید در پیشرفت خود و جامع‌اش سهیم باشد.

در تاریخ سیاسی اجتماعی ایران، چون همه حقوق اساساً در انحصار دولت بود، همه وظایف نیز اساساً بر عهده دولت قرار می‌گرفت و نیز، برعکس، چون مردم اصولاً حقی نداشتند وظیفه‌ای در برابر دولت برای خود قائل نبودند؛ و لذا رشد ملیت به معنای خانوادگی و محلی وجود داشته و طبیعی و قوی بوده است ولی مملکت و دولت برای افراد بیگانه و تحمیلی بوده است.^۱

۱. ر.ک: محمد رضا جوادی یگانه، مجید فولادیان؛ مقاله «تبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن».

چهارم: سیاست ناآگاه مانند مردم

ناآگاهی مردم از وظایف اجتماعی و سیاسی تنها مرتبط با دوران پیش از انقلاب اسلامی نیست بلکه متأسفانه برخی افراد و گروه‌ها تلاش می‌کردند مردم را از سیاست دور نگه دارند. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در مواردی اشتباه بودن این شیوه را تذکر داده و به شدت با آن برخورد کرده‌اند.

بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما، شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس روی این ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید. گیرم که تحلیلی هم بدهید که خلاف واقع باشد؛ باشد! خدا لعنت کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند.^۱

پنجم: مذمت جهل و بی‌توجهی به جامعه و سرنوشت خود

جهل از صفات نامطلوب است و هیچ‌کسی از اتصاف به آن خوشنود نمی‌شود. ناآگاهی صرفاً در امور فردی نیست بلکه می‌تواند حالتی اجتماعی داشته باشد.

کشوری که جوانانش سیاسی نباشند، اصلاً توی باغ مسائل سیاسی نیستند، مسائل سیاسی دنیا را نمی‌فهمند، جریان‌های سیاسی دنیا را نمی‌فهمند و تحلیل درست ندارند. مگر چنین کشوری می‌تواند بر دوش مردم، حکومت و حرکت و مبارزه و جهاد کند؟! بله؛ اگر حکومت استبدادی باشد، می‌شود. حکومت‌های مستبد دنیا، صرفه‌شان به این است که مردم سیاسی نباشند؛ مردم درک و تحلیل و شعور سیاسی نداشته باشند؛ اما حکومتی که می‌خواهد

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان*؛ ۱۳۷۲/۰۸/۱۲.

به دست مردم کارهای بزرگ را انجام دهد؛ نظام را می‌خواهد با قدرت بی‌پایان مردم به سر منزل مقصود برساند و مردم را همه چیز نظام می‌داند، مگر مردمش بخصوص جوانان و بالأخص جوانانِ دانشجویی می‌توانند غیرسیاسی باشند؟! مگر می‌شود؟! عالم‌ترین عالم‌ها و دانشمندترین دانشمندان را هم اگر مغز و فهم سیاسی نداشته باشند، دشمن با یک آب‌نبات تُرش می‌تواند به آن طرف ببرد؛ مجذوب خودش کند و در جهت اهداف خودش قرار دهد! این نکات ریز را، باید جوانان ما درک کنند.^۱

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان*؛ ۱۳۷۲/۰۸/۱۲.

پرسش ۵

در کنار «ناآگاهی از سیاست» آیا می‌توان
عامل تربیتی مهم دیگری را نام برد که
موجب کم شدن مشارکت می‌شود؟

پیشرفت یک کشور در رهن تربیت فردی و اجتماعی آحاد آن ملت است و بدون توجه به مقوله تربیت نمی‌توان انتظار مشارکت و به تبع آن رشد کشور را داشت از این بابت عوامل متعددی همچون تنبلی، ضعف روحیه، عدم استقامت، وادادگی سیاسی و... می‌توانند فرهنگ مشارکت یک کشور را تنزل داده و با مشکل روبرو نمایند. در ادامه و به اقتضای پرسش به یکی از آفت‌های تربیتی اشاره می‌شود.

یکم: اقسام تنبلی و مذمت آن

عامل دیگری که پس از جهل نسبت به سیاست می‌تواند در عدم مشارکت تأثیرگذار باشد تنبلی است. تنبلی یکی از آفت‌هایی است که می‌تواند دامن‌گیر انسان شود. تنبلی به معنای نداشتن تمایل به فعالیت یا تلاش، با وجود برخورداری از توانایی کافی است؛ و تنبل کسی است که مایل به کار کردن نباشد و تن به کار ندهد.^۱

۱. محمد معین؛ فرهنگ فارسی.

تنبلی تنها حالتی شخصی نبوده و به یک اعتبار به دو نوع فردی و اجتماعی قابل تقسیم است.

عقل و نقل تنبلی را منفور و مضر دانسته و انسان را از آن بر حذر می دارند.
 الإمام صادق عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ سُوءٍ إِنَّهُ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَمَنْ ضَجَرَ لَمْ يُصْرِ عَلَى حَقٍّ^۱

از تنبلی و بی حوصلگی پرهیز، زیرا که این دو کلید هر بدی می باشند و کسی که تنبل باشد حق را نگذارد و کسی که بی حوصله باشد بر حق شکیبایی نرزد.

از امام صادق عليه السلام در مورد علامات مؤمن نقل شده است:

تَرَاهُ بَعِيداً كَسَلُهُ دَائِمًا نَشَاطُهُ قَرِيباً أَمَلُهُ قَلِيلاً زَلَّهُ^۲

او را می بینی درحالی که کسالت از او دور و نشاطش دائمی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله چهار ویژگی برای شخص تنبل برشمرده اند:

أَمَّا عَلَامَةُ الْكَسَلَانِ فَأَرْبَعَةٌ: يَتَوَانَى حَتَّى يُفْرِطَ وَيُفْرِطَ حَتَّى يُضَيِّعَ وَيُضَيِّعَ حَتَّى يَأْتِمَ وَيُضَجِرُ^۳

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه تنبل چهار چیز است: چندان سستی می کند که به تفریط و کندی می گراید و چندان کندی می کند که [اصل کار را] فرومی گذارد و چندان فروگذاری می کند که گنهکار می شود و دل مرده بی حوصله است.

۱. محمد بن علی ابن بابویه؛ من لا يحضره الفقيه؛ ج ۳، ص ۱۶۹.

۲. حسن ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۱۶۱.

۳. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱؛ ص ۱۲۲.

دوم: ریشه‌های تنبلی اجتماعی

تنبلی اجتماعی از مواردی است که در سال‌های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته است. متأسفانه نمودهایی از این‌گونه تنبلی در جامعه ایران قابل مشاهده است. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که در دهه گذشته پایین بودن بهره‌وری کار، تعطیلات فراوان، اضافه‌وزن، کم‌تحریکی و... منجر به ثبت آمار ۲۰ درصدی برای تنبلی در تهران شده است.^۱ این مسئله مختص به دوران جدید نیست و متأسفانه در برخی سفرنامه‌های مستشرقین، نسبت تنبلی به مردم ایران داده شده است. به نظر می‌رسد میان تنبلی اجتماعی و تربیت جمعی رابطه معناداری وجود دارد.

چهارم: چرایی تنبلی

علل بسیاری برای تنبلی فردی و اجتماعی وجود دارد. تربیت ناصحیح، ضعف ساختار اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، تقدیرگرایی، بی‌هنجاری و... اما آنچه در اینجا مهم است ارائه تحلیلی تربیتی از تنبلی است.

تنبلی را می‌توان نوعی خودخواهی دانست. فرد خودخواه به کارهایی که خلاف نفس و مخالف حُب نفس باشد بی‌علاقه و تنها نفس و علاقه‌مندی‌های نفسانی برای او محبوب است؛ یعنی هر کاری که برای نفس او سود و منفعت ندارد را دشوار می‌بیند. افراد تنبل عمدتاً به دنبال سود و منفعت ظاهری و دنیوی هستند و نه اخروی. به همین خاطر موانع نفسانی و درونی، فرد را به عدم تحرک و کسالت سوق می‌دهد. اگر هم گاهی به سوی کاری سوق پیدا کند کارهایی است

۱. ر.ک: محمد رضا جوادی یگانه، مجید فولادیان؛ مقاله «تنبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن».

که به سود نفس اوست. همچون شهوت، پرخوری و... که در این کارها او تنبل نیست و بسیار پر تلاش و کوشش و افراطی است؛ و چون کارهایی که انسان را به کمال می‌رساند در عین فطری بودن اما عمدتاً خلاف نفس است از این جهت انسان موفق کسی است که تنبل نیست، یعنی از نفس و خودخواهی عبور کرده است. پس در پاسخ به چرایی تنبلی می‌توان به یک ریشه مهم اشاره کرد. حُب نفس؛ یعنی مانع بزرگی به نام دوست داشتن خود پیش روی است.

پنجم: تنبلی برخی مسئولین و پایین آمدن مشارکت

تنبلی را تنها نباید از یک منظر یعنی مردم نگریست. درست است که کوتاهی مردم در انتخابات آسیب زننده است اما حقیقت آن است که تنبلی مسئولین در انجام کارهایی که بر دوش آن‌ها بوده است بیش از هر امر دیگری باعث ناامیدی اجتماعی و پایین آمدن درصد شرکت کنندگان در انتخابات می‌شود.

بنابراین در این رابطه باید تدابیر و راهکارهای دقیق‌تری برای نظارت بر عملکرد مسئولین در نظر گرفته شود.

ششم: مسئولیت‌پذیر بودن، نقطه مقابل تنبلی

قوام و پیشرفت یک جامعه در رهن فرهنگ مسئولیت‌پذیری است. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عنه‌السلام همواره تلاش فراوانی در بالا بردن سطح فرهنگ مسئولیت‌پذیری داشته‌اند. ایشان فرموده‌اند:

انسان موجودی است مسئول. نقطه مقابل این فکر، حالت احساس بی‌مسئولیتی، «ولش کن»، «برو خوش باش»، «به خودت بپرداز» است... نه فقط مسئولیت در برابر خود و در برابر خانواده خود و نزدیکان خود... بلکه مسئولیت در قبال حوادث زندگی؛ در قبال سرنوشت جهان، سرنوشت کشور

و سرنوشت جامعه، چه مسلمان، چه غیرمسلمان. این احساس مسئولیت فقط نسبت به انسان‌های هم عقیده و مسلم و مؤمن نیست، بلکه حتی نسبت به غیر مسلمین و غیر مؤمنین هم احساس مسئولیت می‌کند. نقطه‌ی مقابل همان دم غنیمتی، ولش کن و حالت تنبلی و حالت گریز از مسئولیت و مانند این‌ها است... این تفکر مسئولیت انسان، جزو بینات اسلام است. یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند در این تردید بکند که اسلام، انسان را این جور موجودی می‌داند: موجودی که مسئول است، کار از او خواسته شده است.

شما ملاحظه کنید احکام گوناگون را: مثلاً حکم امر به معروف و نهی از منکر. امر به معروف یعنی شما همه مسئولید که معروف را، نیکی را گسترش بدهید، امر کنید به آن؛ نهی از منکر [یعنی] زشتی را، بدی را، پلشتی را نهی کنید؛ جلوی آن را بگیرید با شیوه‌های مختلف. معنای این چیست؟ معنای این، مسئولیت در قبال سلامت عمومی جامعه است. همه مسئولند: من مسئولم؛ شما مسئولی؛ آن یکی مسئول است.

یا مسئله‌ی جهاد. جهاد اسلام در واقع کمک به ملت‌هایی است که پشت پرده‌ی سیاست‌های استعماری و استکباری و استبدادی قرار داده شده‌اند که نور اسلام به این‌ها نرسد؛ نور هدایت به این‌ها نرسد. جهاد برای دریدن این پرده‌ها و این حجاب‌ها است؛ جهاد اسلامی این است. بحث اینکه آیا جهاد، دفاعی است یا ابتدائی است یا مانند این‌ها، بحث‌های فرعی است؛ بحث اصلی این است: «مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوُلْدَانِ»^۱ چرا جهاد نمی‌کنید، مقاتله نمی‌کنید، نبرد نمی‌کنید در راه خدا -

۱ النساء: ۷۵ «چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف

نمی‌جنگید؟...».

و بلافاصله [می‌گوید] - و در راه مستضعفین، برای نجات مستضعفین؟ این احساس مسئولیت است؛ یعنی شما برو جان خودت را به خطر بینداز و جانَت را کف دستت بگیر در میدان‌های خطر، برای اینکه مستضعفان را نجات بدهی؛ معنای این، همان مسئولیت است دیگر. یا این حدیث معروف «مَنْ اصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱ و از این قبیل، فراوان آیات و روایاتی در متون اسلامی است که این جزو بینات اسلام است؛ یعنی اسلام انسان را این‌جور خواسته است که مسئول باشد؛ هم نسبت به خود، هم نسبت به نزدیکان خود، هم نسبت به جامعه‌ی خود، هم نسبت به بشریت مسئول است. که حالا اگر بروید دنبال این فکر را در متون اسلامی بگیرید، چیزهای عجیب و غریبی انسان مشاهده می‌کند از این اهتمام و از این احساس مسئولیت.

پیغمبر اکرم ﷺ پیش خدای متعال التماس می‌کند، تَضَرَّع می‌کند که «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي»؛^۲ قومش همان‌هایی بودند که او را می‌زدند، او را طرد می‌کردند، او را تهدید به قتل می‌کردند، این‌همه بر او زحمت وارد می‌آوردند، او پیش خدای متعال التماس می‌کند که خدایا، این‌ها را نجات بده، این‌ها را شفا بده، این‌ها را هدایت کن! این پیغمبر. امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی که می‌شنود که سپاهیان معاویه رفتند آن شهر را غارت کردند با غصّه می‌گوید که «بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأَخْرَجِي الْمُعَاهِدَةِ»^۳ مردهای این لشکر غارتگر وارد خانه‌ی مسلمان و معاهد (معاهد یعنی غیر مسلمانی که در زیر سایه‌ی اسلام

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۶۳ (باکمی اختلاف).

۲. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۹۲.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغة؛ ص ۶۹.

زندگی می‌کند؛ مسیحی، یهودی) می‌شدند، به زن‌ها اهانت می‌کردند، دست‌بند زن‌ها را می‌گرفتند، زیور زن‌ها را می‌گرفتند، بعد حضرت می‌فرماید که اگر مسلمان از این غصّه بمیرد، جا دارد. شما ببینید؛ یعنی احساس مسئولیت تا این حد است. نمی‌گوید اگر امیر مسلمین بمیرد جا دارد؛ می‌گوید اگر انسان، اگر مسلمان از این غصّه بمیرد جا دارد. این همان احساس مسئولیت است.^۱

۱. سید علی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۳/۰۹/۰۶.

پرسش ۶

تأثیرپذیری از شبهات دشمن چه حجمی
از عدم مشارکت در انتخابات را به خود
اختصاص می دهد؟

یکم: معنای شبهه

شبهه در لغت به معنای «پوشیدگی کار و امری که در آن حکم به صواب و خطا
نکنند و اموری که در آن ها جواز و حرمت و صحت و فساد و حق و باطل اشتباه
شده باشد»^۱. و شبهات جمع شبهه است. امام علی علیه السلام در رابطه با معنای شبهه
می فرمایند:

إِنَّمَا تُمَيِّتُ الشُّبُهَةَ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ؛^۲ شبهه را از آن رو شبهه نامیده اند که
شبهه حق است.

دوم: ضرورت پاسخ به شبهات

سیاه نمایی دشمن هرچند بر اهل ایمان تأثیری ندارد^۳ اما ممکن است برخی

۱. دهخدا علی اکبر؛ فرهنگ متوسط؛ ج ۲؛ ص ۱۷۷۹.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۸۱.

۳. امام علی علیه السلام؛ فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضَيَّأُوهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَذَلِيلُهُمْ سَمَتْ الْهُدَى، وَأَمَّا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ وَذَلِيلُهُمُ الْعَمَى؛ اما اولیای خدا به هنگام شبهه، روشنائی راهشان یقین است

افراد را به تردید و تشکیک وادار نماید. از این بابت آگاهی بخشی و مبارزه با جهل و شبهات ضروری است و اهل علم در این مورد وظیفه مهمی را بر دوش دارند. شبهات مخصوصاً زمانی که با مسائل دیگری همچون مشکلات اقتصادی، کم کاری مسئولین، ناامیدی، ضعف روحی و... توأم شود آسیب های بیشتری خواهد داشت.

شبهات زیاد است. شما اگر در میان جوانان بروید، می بینید جوان خوب ما هم گاهی در ذهنش شبهه وجود دارد. ایرادی هم ندارد؛ شبهه به ذهن همه می آید؛ نباید به جوان ایراد گرفت که تو چرا شبهه داری. وقتی ذهن فعال و کارگر شد، شبهه به ذهن می آید. بر عهده ما طلبه هاست که این شبهه ها را با پیشگیری یا با درمان برطرف کنیم. چالش عمده ی امروز شما این است^۱. پیگیری و پاسخ به شبهات تنها یک وظیفه فردی نیست بلکه سازمان ها و نهادهای فراوانی در قبال آن مسئول هستند.

یکی از کارهایی که در باب تبلیغات باید انجام داد، پاسخگویی به شبهات پرتاب شده ی در میان مردم است. البته دستگاه های تبلیغاتی ما، همه باید مراقب باشند و مواظب باشند و عمل کنند؛ وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات، دستگاه هایی که متولی و متصدی امور ارتباطی و رسانه ای هستند، صداوسیما، دیگران. همه باید مراقب باشند؛ دشمن به طور دائم دارد شبهه ایجاد می کند؛ شبهات متراکم پشت سرهم! باید این گره ها را باز کرد، این شبهه ها را باید برطرف کرد، ذهن ها را بایستی فارغ کرد، آسوده کرد. نباید

و راهنماییشان راه راست ؛ ولی دشمنان خدا به گاه شبهه دعوتشان گمراهی است و راهنماییشان کوری. (محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۸۱).

۱. سیدعلی خامنه ای (آیت الله)؛ بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان همدان؛ ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.

جوان ما احساس گیجی و حیرت بکند؛ یکی از این طرف، یکی از آن طرف؛
دائم شبهه درست کن، دائم اشکال درست کن! باید جوان را کمک کرد؛
ذهن‌ها را باید کمک کرد.^۱

سوم: پرهیز از قرار دادن خود در مقابل شبهات

هرچند پاسخ به شبهات ضروری است اما از سوی دیگر افراد هم یک وظیفه مهم
پیشگیرانه دارند که نباید خود را در معرض شبهات قرار دهند.

امام علی علیه السلام در این باره دستور می‌فرمایند:

إِحْذَرُوا الشُّبُهَةَ؛ فَإِنَّهَا وُضِعَتْ لِلْفِتْنَةِ؛^۲ از شبهه حذر کنید؛ زیرا که شبهه به قصد
فتنه (گمراه‌سازی) ساخته شده است.

گاهی برخی افراد به بهانه فهم حقایق در دام شبهه افکنان می‌افتند.
درحالی‌که راه صحیح آن مراجعه به متخصص و پرسش از اوست. چرا که عموم
مردم و حتی گاهی اهل علم توان تشخیص کامل شبهه را ندارند و از سوی دیگر
تئورسین‌های شبهه افکن نیز در کار خود مهارت دارند.

چهارم: پرهیز از مشتبه کردن امور بر خود

گاهی حقیقت روشن است ولی افراد به خاطر منافع دنیوی امور را بر خود و
دیگران مشتبه می‌کنند. امام علی علیه السلام زمانی که عمار بن یاسر با مغیره بن شعبه
در موضوعی مجادله می‌کرد به عمار این چنین فرمود:

دَعُهُ يَا عَمَّارُ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يَأْخُذْ مِنَ الدِّينِ إِلَّا مَا قَارَبَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ عَلَى عَمْدٍ لَبَسَ عَلَى

۱. سید علی خامنه‌ای (آیت الله)؛ بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی؛

۱۳۹۶/۱۰/۰۶

۲. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۷؛ ص ۱۰۳.

نَفْسِهِ، لِيَجْعَلَ الشُّبُهَاتِ عَاذِرًا لِّلِسْقَاطِئِهِ^۱.

رهایش کن ای عمار! زیرا او از دین خود جز آنچه به دنیایش نزدیک کند، چیزی فرا نگرفته است و به عمد، امور را بر خود مشتبه ساخته تا شبهات را بهانه ای برای لغزش ها و خلاف کاری های خویش کند.

مصادق این مشتبه سازی استدلال های سطحی همسر یکی از کاندیداهای انتخابات سال ۸۸ در مصاحبه با بی بی سی فارسی است که با آمار دهی کاذب و استناد به قومیت گرایی سعی در مصادره انتخابات به نفع خود داشت.

زهرارهنورد: در شهرستان ها و تهران در واقع تجمع مردم حاکی از این بود که آرای موسوی بسیار بالاتر از آن است که اصلاً قابل تصور باشد، هر وقت طرفداران دو طرف حاضر می شدند، طرفداران احمدی نژاد در حد یک صدم بودند در مقابل طرفداران موسوی ... ما نمی دانیم چگونه با این صندوق ها عمل شده و رأی ها چگونه دست برده شده و چه بوده، فقط می دانیم که نسبت موسوی به احمدی نژاد ۴/۵ به یک یا چهار به یک یا جاهای دیگر ممکن است مثلاً ۳ به ۱/۵ باشد...

نتیجه آرا دقیقاً عکس آن چیزی است که واقعیت دارد، یعنی دقیقاً نسبت آرای موسوی به احمدی نژاد چهار به یک بوده است. یک نقاطی هستند که خودشان نشان دهنده نادرست بودن میزان آراست؛ مثلاً ترک زبان ها و مردم آذربایجان فرزند خودشان را رها نمی کنند تا به فرد دیگری رأی بدهند یا خود بنده که بارها گفتم من لر هستم و آقای موسوی هم گفته داماد لرستان است، لر ها داماد خودشان را رها نمی کنند و به احمدی نژاد رأی بدهند. این دو مورد

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۵۴۷.

برای ما ملاک است که باقی موارد هم همین طور است.^۱
درحالی که ایشان به خاطر اینکه به عمد، امر را بر خود مشتبه کرده از لوازم
سخن خود غافل شده است. با این استدلال چه لزومی دارد که لرها فرزندان خود
(رضایی و کروی) را رها کرده و به داماد خود (موسوی) رأی دهند؟ و یا در کدام
منطق، این طور استقراءهای ناقصی حجت محسوب می شود؟

۱. در مصاحبه با BBC فارسی.

پرسش ۲

آیا عدم شرکت در انتخابات به بهانه
واگذاری امور به خدای متعال صحیح
است؟ و با وجود پذیرش قضا و قدر جایی
برای اراده انسان باقی است؟

یکم: معنای تقدیرگرایی

تقدیر در لغت به معنای «اندازه کردن»^۱ و «نصیب، قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود معین فرموده است»^۲ می باشد. پرداختن به تقدیرگرایی بدون اشاره به دو واژه قضا و قدر ناتمام است.

«قضا» به معنی حکم و قطع و فیصله دادن است. قاضی را از این جهت قاضی می گویند که میان متخاصمین حکم می کند و به کار آن ها فیصله می دهد. در قرآن کریم این کلمه زیاد استعمال شده، چه در مورد بشر و چه در مورد خدا و چه در مورد قطع و فصل قولی که سخنی موجب قطع و فصلی بشود و چه در مورد قطع و فصل عملی و تکوینی که حقیقتی از حقایق موجب قطع و فصل گردد. «قدر» به معنی اندازه و تعیین است. این کلمه نیز به همین معنی در قرآن کریم زیاد استعمال شده

۱. علی اکبر دهخدا؛ فرهنگ متوسط؛ ج ۱، ص ۷۶۳.

۲. حسن عمید؛ فرهنگ فارسی عمید.

است. حوادث جهان از آن جهت که وقوع آن‌ها در علم و مشیت الهی قطعیت و تحتم یافته است، مقضی به قضای الهی می‌باشند و از آن جهت که حدود و اندازه و موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها تعیین شده است. مقدر به تقدیر الهی می‌باشند.^۱

دوم: برداشت اشتباه از تقدیرگرایی

یکی از عوامل عدم مشارکت در میان برخی توده‌های مذهبی مسئله تقدیرگرایی است. باور به قضا و قدر یکی از اعتقادات دینی است که بعضاً تفاسیر نادرستی از آن ارائه شده است و موجبات عقب افتادگی مسلمین در مقاطعی از تاریخ شده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در یکی از سخنرانی‌های خود در جمع اساتید و دانشجویان به خوبی پاسخ این پرسش را داده‌اند.

ما در اسلام و در تعبیرات دینی چیزی داریم به نام تقدیر، چیزی داریم به نام قضا، که روی هم گفته می‌شود قضا و قدر. ما به قضا و قدر اعتقاد داریم؛ هم قدر حق است، هم قضا حق است. بعضی‌ها خیال می‌کنند آدم اگر معتقد به قضا و قدر شد، نمی‌تواند اراده و قدرت انتخاب انسان را مؤثر بداند؛ این همان بد فهمیدن معنای قضا و قدر است. نخیر، ما کاملاً به قضا و قدر و حق انتخاب انسان معتقدیم؛ این‌ها مکمل یکدیگرند.

من در چند جمله، این را برای شما تبیین می‌کنم. قدر یا تقدیر به معنای اندازه‌گیری و تعیین اندازه است؛ یعنی قوانین عالم را مشخص کردن و علت‌ها و معلول‌ها و رابطه‌ی آن‌ها را فهمیدن. کسی که زهری را می‌نوشد، تقدیر او مردن است. تأثیر زهر روی جهاز هاضمه و گردش خون و عوامل حیاتی انسان

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (انسان و سرنوشت)؛ ج ۱؛ ص ۳۸۱.

این است که او را از بین ببرد و بکشد. کسی که از بالای بلندی خودش را زمین می‌اندازد، تقدیر او له شدن و خُرد شدن است. کسی که از اینجا بلند می‌شود و تصمیم می‌گیرد به سمت قله‌ی الوند برود، وقتی حرکت کرد، تقدیر او رسیدن به قله‌ی الوند است. علل و عوامل را خدای متعال به وجود آورده است و بر این علل و عوامل، معلولات و مسبباتی را مترتب کرده است.

شما آیا عاملی را که به نتیجه‌ای می‌رسد، انتخاب می‌کنید یا نمی‌کنید؟ اگر انتخاب کردید، تقدیری که دنباله‌ی این انتخاب است، می‌شود قضا. قضا یعنی حکم؛ یعنی حتم. در معنای قضا حتمیت و قطعیت وجود دارد. یک وقت هست شما انتخاب نمی‌کنید؛ فرض بفرمایید سر چند راهی می‌رسید. اطراف همین میدانی که اشاره کردم، چند خیابان وجود دارد. تقدیر کسی که از خیابان اول حرکت کند، این است که به فلان نقطه برسد. تقدیر کسی که از خیابان دوم حرکت کند، این است که به فلان نقطه برسد. تقدیر کسی که از خیابان سوم و چهارم و پنجم و ششم حرکت کند، رسیدن به نقاطی است که این خیابان‌ها به آن‌ها منتهی می‌شود.

اگر شما تصمیم گرفتید از این میدان به هیچ‌کدام از این خیابان‌ها نروید، آیا این تقدیرها درباره‌ی شما تحقق پیدا خواهد کرد؟ نه شما نرسیدن به این اهداف را انتخاب کرده‌اید؛ بنابراین نمی‌رسید. اگر خیابان اول را انتخاب کردید و تصمیم گرفتید و نیرویتان را به کار انداختید و رفتید، به آن نتیجه می‌رسید. قضای شما - یعنی حکم حتمی شما - این است که به آن هدف برسید.

چیزی که می‌تواند هر تقدیری را به قضا تبدیل کند، اراده‌ی شماست. تقدیر، ترسیم شده است؛ اما این تقدیر درباره‌ی شما حتمیت ندارد؛ این شما هستید که با اراده و همت و اقدام خود به آن تقدیر حتمیت می‌دهید. نتایج و تبعات این اقدام را هم باید قبول و تحمل کنید. اگر سر دوراهی برسیم، یک راه ما را به

منزلگه مقصود می‌رساند؛ یک راه هم ما را به باتلاق یا به یک نقطه‌ی خطرناک می‌رساند؛ این دو تقدیر در مقابل شماسست. شما باید از بین این دو تقدیر، یکی را انتخاب کنید. اگر راه اول را انتخاب کردید و بین راه خسته و منصرف نشدید و اراده‌تان متزلزل و نیروی بدنتان تمام نشد، قضای شما این است که به آنجا برسید. اگر به عکس، راه دوم را انتخاب کردید، در بین راه به خود نیامدید، متنبه نشدید، توبه نکردید، از این راه برگشتید و آن را ادامه دادید، البته تقدیر شما این است که به همان باتلاق و نقطه‌ی خطرناک برسید. این شمایید که انتخاب می‌کنید. البته یک عامل معنوی هم در اینجا وجود دارد که بعد به آن اشاره و روی آن تأکید خواهم کرد. ما امروز در ایران، دو گونه راه در مقابل خود داریم: یک راه این است که خود را رها کنیم و خسته شویم؛ کما اینکه الآن یک عده قلم به دست - که به گمان زیاد بعضی از آن‌ها قلم به زدند؛ یعنی پول می‌گیرند تا این مطالب را بنویسند.^۱

۱. سید علی خامنه‌ای (آیت الله)؛ بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان؛

پرسش ۸

راهکار تقویت روحیه ناامیدی از تحول و
بهبود وضعیت چیست؟

یکم: اهمیت و جایگاه امید

یکی دیگر از عوامل مهمی که منجر به عدم حضور حداکثری در انتخابات می‌شود مسئله‌ای روحی به نام ناامیدی از بهبود وضعیت است. امید یا رجاء به معنای «انتظار همراه با خوش‌بینی برای برآورده شدن حاجت و مقصودی»^۱ و نقطه مقابل ناامیدی است.^۲ امید بستن و امید داشتن به معنای «خواهان چیزی یا کسی شدن» و «انتظار امر محبوب ممکن است».^۳ انسان با امید زنده است و حرکت می‌کند. ناامیدی باعث رکود و سقوط انسان می‌شود.

یک ملت برای دست‌یابی به اهداف خود راهی جز رسیدن به بلوغ ندارد و از ملت‌های دیگر نمی‌توان انتظار دلسوزی و رفع مشکلات را داشت.

۱. علی اکبر دهخدا؛ فرهنگ متوسط دهخدا؛ ج ۱، ص ۲۳۶.

۲. امام صادق (علیه السلام): الرِّجَاءُ وَ ضِدُّهُ الْقُنُوطُ. (محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱؛ ص ۲۱)

۳. حسین یوسف موسی. عبد الفتاح صعیدی؛ الإفصاح فی فقه اللغة؛ ج ۱، ص ۱۵۶.

دوم: راهکار مقابله با ناامیدی

راهکار مقابله با ناامیدی تقویت روحیه در اتکاء به خداوند است. باید اموری که موجب ناامیدی می شوند را دور نمود و با تکیه بر خداوند بدانیم که او انسان را رها نمی کند. معمولاً انسان در اثر شبهات و یا هجمه مشکلات، صحنه واقعی میدان را غلط تشخیص می دهد و دچار بزرگ نمایی شده و به تبع آن ناامید می شود.

حس ناتوانی و ناامیدی معمولاً به دو صورت رخ می دهد یکی از آن ها زمانی است که فرد یا افرادی به غیر خداوند تکیه و اعتماد بیش از حد داشته باشند و صورت دوم آن زمانی است که افراد صرفاً تکیه بر قوا، دانش و عقل خود به جای اتکا به خداوند داشته باشند. طبیعی است انسان با تکیه بر نیروهای محدود خود و یا دیگران درجایی که نیرو و مانعی قدرتمندتر از او وجود داشته باشد احساس شکست می کند؛ اما فرد موحد هیچ گاه حق ندارد در عین اینکه قدرتمندترین، ثروتمندترین، داراترین و یا عاقل ترین است بر خود و دیگران تکیه کند. او تنها باید بر خداوند تکیه نماید.

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافریست

راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایدش^۱

تمام کمالات، امکانات و ویژگی ها تنها می تواند سببی برای جریان یافتن اراده الهی باشند. پس در رویکرد توحیدی و در مواجهه با ناامیدی در ابتدا توحید افعالی، توحید صفاتی و شاخه های مرتبط با آن ها باید فهم شود. از این جهت و

۱. حافظ شیرازی؛ دیوان اشعار؛ ص ۳۸۰.

به کمک توحید دیگر ناامیدی و افسردگی در مواجهه با مشکلات و یا در حین شکست ایجاد نمی‌شود؛ یعنی نگاه مستقلی برای قدرت دیگران و یا قدرت خود باز نخواهیم کرد. قدرت اصلی و بلکه تنها قدرت را خدا می‌بینیم. البته چنین مهمی نیاز به تمرین دارد.

فرض کنید کسی در مورد شما بدگویی کرده است و قصد دارد به شما آزاری برساند؛ یعنی می‌خواهد اعمال قدرت نماید. اگر انسان در درون خود مشغولیت فکری، ذهنی و احساس ترس و ... دارد نشانه‌ای از ضعف توحیدی اوست؛ یعنی آن فرد را دارای یک قدرت مستقل می‌بیند. درحالی‌که تا خدا نخواهد چنین فردی نمی‌تواند اعمال قدرت نماید.

در دوران مبارزات و عصر طاغوت، شاه در پیامی بیت امام خمینی رحمته الله علیه را تهدید کرده و وعدهٔ هجوم شبانه می‌دهد. حضرت امام مثل همیشه در ساعت مشخص و بدون توجه به چنین تهدیدی به استراحت می‌پردازد. نیمه شب وقتی امام رحمته الله علیه برای تهجد برمی‌خیزد برخی از نزدیکان و یاران خود را با حالت ترس و اضطراب می‌بینند. از آنان سؤال می‌کند که چرا مضطرب هستید. آن‌ها قضیه تهدید شاه را یادآوری می‌کنند درحالی‌که امام رحمته الله علیه کاملاً آن را فراموش کرده بودند.^۱

پس اهل ایمان با وجود موانع نباید ناامید، نگران و یا افسرده باشند. باید باور و اعتماد داشت که قدرت الهی مافوق هر قدرتی است و بلکه به بیان دقیق‌تر، تنها قدرت در انحصار اوست و سایرین قدرتی ندارند و اگر قدرت ورزی دارند تنها

۱. امین شمشیری؛ سلامت معنوی؛ ص ۹۰.

گوشه‌ای از تجلی قدرت الهی است و از خود چیزی ندارند؛ بنابراین فرد در همه کارها به جای تکیه بر قدرت خود و یا در نظر گرفتن قدرت دیگران، تنها باید به قدرت الهی توجه نماید تا به خاطر نرسیدن به اهداف افسرده و دلسرد نشود. برای این است که شهید بهشتی رحمته‌الله علیه در دوران مبارزات و پس از آن هیچ‌گاه افسرده دیده نشده است.

یک چیز را من از شما می‌خواهم که خود هم به آن عمل می‌کنم؛ هیچ‌کس مرا در این دوره فراز و نشیب انقلاب، در سخت‌ترین شرایط نتوانسته است با قیافه افسرده ببیند.^۱

پس این نقش فهم توحید است که منجر به مقابله با ناامیدی می‌شود. تکیه به یک قدرت بی‌پایان، به همه قدرت و اعتماد به او. بسیاری از انسان‌ها وقتی عقل و محاسبات عقلی را در بن‌بست گرفتار می‌بینند، کار را تمام شده می‌انگارند. درحالی‌که همه اعتماد بایستی بر او باشد؛ یعنی بر خداوند متعال. پس لازم است عقیده توحید به درستی ادراک شود. به هر حال بایستی تلاش، کوشش، محاسبه، عقلانیت و تفکر و ... داشته باشیم اما بر آن‌ها تکیه نکنیم. تکیه تنها بر یکی است و او خداست.

چهارم: نرسیدن به کمالات دلخواه و ناامیدی

وقتی انسان به کمالات دلخواه نمی‌رسد آنگاه ناامید می‌شود. انسان، کمال طلب است و موانع قدرتمند درونی و بیرونی دارد. عبور از این موانع تنها با تکیه بر خداوند متعال ممکن است نه با تکیه و اعتماد بر خود.

با توضیحاتی که بیان شد اکنون «بی حالی و کسالت» و «احساس بی فایده بودن» که دو نشانه شایع و اولیه ناامیدی و افسردگی هستند را چگونه باید درمان نمود؟

حقیقت آن است که نقطه مقابل توحید «من» و «منیت» است. منیت زمانی شبیه غرور و نوعی اعتماد و جسارت بیش از حد نسبت به خود است و گاهی نوعی باختن خود و فرورفتن در خود و ناامیدی است. اگر فرد خود را فراموش کرده و به خدا تکیه کند بسیار خوب و این گونه از خود فراموشی مطلوب است. مشکل این است که افراد ناامید خود را بی تکیه گاه و کاملاً ناتوان می بینند و اگر خود را ضعیف می پندارند از این بابت نیست که بر خدا تکیه کرده اند. بلکه تسلیم ناتوانی خود شده اند و در مقابل موانع شکست خورده اند. همین تسلیم و فروریختن و یأس، باعث افسردگی و بن بست می شود.

پنجم: نگاه مادی صرف و بی توجهی به معنا

ناامیدی همیشه به خاطر مشکلات مادی نیست و عمدتاً محصول بی توجهی به معنا است. امروزه در شرق آسیا و حتی کشورهای دیگر برخی جوانان که انواع لذات و خوشی ها را تجربه کرده اند نهایتاً خود را از بالای برج های بلند به پایین پرتاب می کنند. چنین اقدام غیرعقلانی، ریشه ای جز پوچی فرد و بی هویت شدن او ندارد. آدمی اگر همه نیازمندی هایش هم برطرف گردد، یک خلأ در زندگی اش خواهد بود و آن عدم اتصال به خداوند متعال و معنویت است. تا آنجایی که تبعات بی توجهی به آن تنها خودکشی فردی نبوده و بلکه نابودی تمدن و کره خاکی است.

از نظر علاقه مندان به بسط و اشاعه کلمه توحید که نجات انسانیت را درگرو

خداشناسی و خداپرستی می‌دانند، معنویت را از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌شناسند، اذعان دارند بشریت منهای معنویت امیدی به بقایش نیست، خودش را و تمدنش را و زمینی را که بر آن قرارگرفته به دست خود نابود خواهد ساخت.^۱

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (علل گرایش به مادیگری)؛ ج ۱، ص ۵۸۱.

پرسش ۹

ارزیابی فرهنگ ایرانیان نسبت به مقوله
مشارکت در ادوار تاریخی چگونه بوده
است؟

کشور ایران با تمدن غنی و بهره‌مندی از آموزه‌های دین اسلام همواره از فرهنگ عالی در زمینه مشارکت برخوردار بوده است. در ادامه به برخی انواع مشارکت اشاره می‌شود.

یکم: سابقه مجلس و مشورت

ایرانیان در برخی ادوار تاریخی خود دارای مجالس تصمیم‌گیری و شورایی بوده‌اند. مجلس مهستان یکی از معروف‌ترین این مجالس بوده است. پارتی‌ها دارای بعضی عادات بودند، که آن‌ها را مانند مردمان متمدن کنونی می‌نماید، اولاً داشتن مجلس اعیان و مجلس مهستان^۱... این مجالس عمدتاً میان اشخاص و سران حکومت بوده است و عمدتاً مردم را در تصمیم‌گیری‌های خود دخیل نمی‌کرده‌اند.

دو مجلس شوری برای جلوگیری از عملیات (خودسرانه) پادشاه بزرگ به طور توارث وجود داشت. یکی از آن‌ها شورای خانوادگی که مرکب بود از اعضاء

۱. حسن پیرنیا؛ *تاریخ ایران باستان*؛ ج ۳، ص ۲۶۹۵.

ذکور خاندان سلطنتی که به حد بلوغ و رشد رسیده بودند. دیگر مجلس سنا که از نجبای سالخورده و کارآموده و نیز مشایخ و بزرگان روحانی تشکیل می‌یافت، نظیر مجلس اعیان امروز انگلیس، به انضمام خانواده سلطنت هفت خانواده دیگر برسم دوره هخامنشیان در کشور وجود داشتند. پادشاه باید از خاندان اشکانی انتخاب شده و این انتخاب را هم دو مجلس نامبرده که مجلس مغستان یا مهستان از آن تشکیل می‌یافت باید تصدیق نماید (توضیح اینکه هردو مجلس وقتی که باهم منعقد می‌گردید آن را مغستان می‌نامیدند).^۱

دوم: مشورت در اسلام

در دین مبین اسلام تأکیدات بسیاری در مورد مشارکت در مسائل اجتماعی وجود دارد که یکی از ابعاد مهم آن در قالب مشورت تبلور می‌یابد. آیاتی از قرآن به لزوم مشورت تأکید داشته و روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد.

وَأَسْتَغْفِرُ لَهُمْ وَشَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.^۲

برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ.^۳

۱. سرپرسی سایکس؛ تاریخ ایران، ج ۱، ص ۴۹۴.

۲. آل عمران: ۱۵۹.

۳. شوری: ۳۸.

و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند.

امام علی علیه السلام: وَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ^۱.

هر که مستبد به رأی شد به هلاکت رسید.

امام علی علیه السلام: لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ^۲.

پشتیبانی‌ای استوارتر از مشاورت نیست.

به هر حال فرهنگ بالای مردم ایران پس از ورود اسلام به ایران و پذیرش آن توسط مردم، گسترش بیشتری نسبت به گذشته یافت.

سوم: مشارکت نهی از منکرِ عالمان دینی

بخش دیگری از فرهنگ بالای اجتماعی اسلامی و ایرانی را در رفتار نهی از منکرِ عالمان دینی باید جستجو کرد که در نوع خود بی‌نظیر است. برخی از عالمان بزرگ شیعه که نسبت به وضعیت جامعه بی‌تفاوت نبوده و خود را از عرصه‌های اجتماعی بیرون نمی‌کشیده و شانه خالی نمی‌کرده‌اند برای مهار ظلم حاکمان و طواغیت، با نزدیک شدن به آن‌ها از جنایات آن‌ها جلوگیری می‌کرده‌اند این شیوه در قرآن و روایات و فقه^۳ اسلامی مورد تأیید قرار گرفته است. مؤمن آل فرعون یکی از افرادی است که ایمان خود را پنهان می‌کرد؛ و مانع ظلم

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۵۰۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۸؛ ص ۲۰.

۳. در باب امر به معروف و نهی از منکر.

۴. وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ... (غافر: ۲۸).

فرعونیان بود و سرانجام در دفاع از حضرت موسی علیه السلام به شهادت رسید و یا نمونه فداکاری‌های خواجه نصیر در عصر مغولان که با تلاش‌های خواجه منجر به تشیع تعدادی از حاکمان آنان شد.^۱

بنابراین حتی در بدترین حالات اجتماعی نیز نمی‌توان نسبت به جامعه بی‌تفاوت بود چه رسد به زمانی که حکومت اسلامی که آرزوی همه انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام بوده است مستقر شده است. از این بابت نمی‌توان نسبت به اسلام بی‌تفاوت ماند و همه افراد در راه اعتلای اسلام باید حکومت را حمایت و یاری

۱. او در شرح کتاب الاشارات و التنبیهاث شیخ الریس ابوعلی سینا به اوضاع و احوال زمان خود اشاره کرده و شمه‌ای از مشکلات و مصیبت‌های خود را بازگفته است... «... بیشترینش را در وضعیتی دشوار نوشتم که وضعیتی دشوارتر از آن ممکن نیست و غالبش را در زمان دلگیری تحریر کردم، بلکه در زمانه‌ای آن را رقم زدم که هر لحظه‌اش ظرف نوعی اندوه و شکنجه‌ای دردآور و گونه‌ای پشیمانی و افسردگی عظیم بود.

آن‌هم در جاهایی که در هر آن در آن‌ها آتش دوزخی برافروخته می‌شد و زبانه می‌کشید و گدازه‌ای از فرازش فرو می‌ریخت، هیچ وقتی سپری نمی‌شد مگر اینکه چشمم اشک می‌بارید و دلم می‌افسرد و هیچ زمانی فرا نمی‌رسید که بر رنج‌هایم نیفزاید و اندوه و غصه‌ام را چند برابر نگرداند... وه! چرا من در گستره زندگانیم زمانی ندارم که از رخداد‌های همراه دارنده پشیمانی همیشگی و افسوس‌مندی جاودانه سرشار نباشد؟ گویا گذران زندگانیم کاری است که لشکریانش ابرهایی تیره و سپاهیانش اندوه‌هایی گوناگونند.

بار خدایا! به حق پیامبر برگزیده‌ات و به حق جانشین پسندیده‌اش که درود پیوسته خداوندی بر آن هر دو و بر خاندانشان باد، مرا از انبوه شدن دسته‌دسته‌های گرفتاری و از پشته‌پشته آمدن موج‌های رنج برهان! و از وضعیتی که در آن گرفتار آمده‌ام، گشایشی بهره‌ام فرما! به حق «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» که تو مهربان‌ترین مهربانانی! (ر.ک: مقاله استاد کائنات و کوه استقامت؛ علیرضا روشنائی).

چهارم: مقایسه مشارکت ایرانیان با برخی کشورهای مدعی دموکراسی

بر اساس آمارها، از زمان انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۹۹۷ (انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶) تاکنون، به طور میانگین ۶۸٫۶۴ درصد از مردم کشورمان در انتخابات ریاست جمهوری ایران (در هفت دوره انتخاباتی) مشارکت داشته‌اند. بررسی تطبیقی میزان مشارکت سیاسی مردم در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از سال ۱۹۹۶ تاکنون نشان می‌دهد که به طور میانگین، ۵۸٫۸ درصد از واجدان رأی دهی در این کشور، در انتخابات ریاست جمهوری آن شرکت کرده‌اند.

انگلستان نیز از جمله دیگر دموکراسی‌های مطرح غربی است که از دیرباز اقدام به برگزاری انتخابات می‌کند. بررسی میزان مشارکت مردم در انتخابات پارلمانی و همچنین انتخابات مرتبط با «برگزیت» (فرانندوم مرتبط با ماندن یا خروج انگلیس از چهارچوب اتحادیه اروپا) از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۱۹ (هشت دوره انتخاباتی) نشان می‌دهد که به طور میانگین ۶۶٫۴۷ از مردم انگلیس در انتخابات این کشور مشارکت داشته‌اند.

در این میان باید توجه کرد که انگلستان از سال ۱۹۱۸ میلادی اقدام به برگزاری انتخابات می‌کند و این آمار را بایستی در بستر سابقه دیرینه دموکراسی و انتخابات در این کشور ارزیابی کرد. جدای از بالا بودن معدل کلی نرخ مشارکت مردمی در انتخابات‌های کشورمان (در مقایسه با انگلستان)، همچون نمونه

۱. توضیحات بیشتر در این زمینه را در ذیل پرسش هفدهم مشاهده نمایید.

آمریکا، نرخ مشارکت در برخی دوره‌های انتخاباتی کشورمان (بازه زمانی ۲۰ ساله اخیر) در مقایسه با انگلستان، آمارهای قابل توجهی را از خود به ثبت رسانده است که بعضاً در انتخابات‌های انگلستان به چشم نمی‌خورد (نظیر مشارکت ۸۴٫۸۳ درصدی مردم در انتخابات سال ۱۳۸۸).^۱

پنجم: نظریه مردم‌سالاری دینی و گشودن باب جدیدی در مشارکت

جمهوری اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و آیت‌الله خامنه‌ای رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ بیش از هر دوره تاریخی دیگری از ایران مردم را در اداره امور خود سهیم کرده است. مردم‌سالاری دینی به عنوان نظریه اجتماعی انقلاب، بیشترین راه را برای تعیین سرنوشت در برابر مردم گشوده است.

مردم‌سالاری یعنی مردم اصل‌اند؛ اصل مردم‌اند؛ نه فقط در تعیین حاکم؛ چون تا می‌گوییم مردم‌سالاری، ذهن همه می‌رود به صندوق‌های رأی - که خب درست هم هست، تعیین رئیس‌جمهور، تعیین خبرگان رهبری و در واقع تعیین رهبر، تعیین دستگاه‌های مختلف، همه در واقع به وسیله‌ی مردم انجام می‌گیرد - این تعیین‌کننده است، این درست است اما فقط این نیست؛ آنچه مهم است، این است که مردم‌سالاری یعنی مردم را در همه‌ی امور زندگی، صاحب رأی و صاحب تدبیر و صاحب تصمیم قرار دادن.^۲

۱. <https://www.alef.ir/news>.

۲. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)، *بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی*؛ ۱۳۹۶/۱۱/۲۹.

پرسش ۱۰

انتخابات چگونه می‌تواند در ایجاد یک جامعه توحیدی نقش داشته باشد؟

والا ترین هدف انبیاء علیهم‌السلام و ائمه علیهم‌السلام و به تبع آن بزرگواران، عالمان دینی بسط توحید در عالم بوده است. خداوند متعال نسبت به بندگان خود بی تفاوت نبوده و اراده تشریعی خود را از راه قوانین شریعت و قانون‌گذاری اجرا می‌نماید. از این بابت همه موحدان عالم باید تلاش کنند تا ظرفی برای تحقق اراده الهی باشند تا توحید در عالم بسط یابد. در ادامه نکاتی به صورت اجمالی بیان می‌شود.

یکم: اراده الهی

اراده الهی به دو قسم تشریعی و تکوینی تقسیم می‌شود. انسان‌ها در اراده تکوینی الهی دخالتی نداشته و در این گونه از اراده همه امور فوراً محقق می‌شوند.

در اراده تکوینی، واسطه‌ای بین اراده خدا و مراد او وجود ندارد، بلکه مستقیماً به خود فعل که کار خود اوست تعلق می‌گیرد. لذا هر چه اراده کند، تحقق می‌یابد و تخلفی رخ نمی‌دهد: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۱، «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۲. سرّش آن است که ذات اقدس الهی

۱. یس: ۸۲.

۲. النحل: ۴۰.

وجود مطلق است که هیچ حدّی در صفات کمال. از جمله قدرت. ندارد. از این رو هر چه بخواهد و اراده کند، محقق می شود.^۱

اما در اراده تشریعی خداوند بشر دست به انتخاب زده و دارای اختیار است به همین خاطر است که «مراد تشریعی تشریفی خدا توسط گروهی از مردم تحقق می یابد و توسط گروهی دیگر از اراده تخلف می پذیرد».^۲

خداوند با توجه به اختیاری که به انسان داده است دوست دارد که مسلمانان و مؤمنان نسبت به جامعه و سرنوشت خود بی تفاوت نبوده و در اجرای شریعت و قوانین الهی در جامعه کوشا باشند. مجلس و هر ظرفیت دیگری در جمهوری اسلامی که بتواند بستری برای تحقق احکام الهی باشد دارای ارزش است و بی توجهی به آن موجب حاکم شدن قوانین غیر الهی می شود.

دوم: ترسیم تحقق اراده الهی

از منظری دیگر می توان ترسیم دیگری از تحقق اراده الهی با توجه به نقش مؤمنین داشت:

مطابق با وعده الهی خداوند اراده خود را بدون هیچ گونه تردیدی محقق می سازد. «وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا».^۳ و قول خدا صادق است و کذبی در آن نیست. «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا»^۴ «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا».^۵

۱. عبدالله جوادی آملی؛ /دب فنای مقربان؛ ج ۳، ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

۲. همان.

۳. الروم: ۶۰.

۴. النساء: ۸۷.

۵. النساء: ۱۲۲.

این اراده، پایانِ حاکمیتِ طاغوتیان بر روی زمین و وارث شدنِ مستضعفین است. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».^۱ چنین مهمی نیاز به یک مجرا، سبب و ظرفِ تحقق دارد و آن اختیار آدمی برای نقش آفرینی در تغییر است. مانع این تحقق، نداشتن امید و به تبع آن همت عالی است.

عقاید غلط و توحیدِ ضعیف، نگاه افراد به سیاست را تغییر می دهد تا آنجایی که تفکرِ «هُنَّا قُعدُونَ»^۲، باعث سرگردانیِ چهل ساله بنی اسرائیل در یک قدمی موفقیت می شود. «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ».^۳ نتیجه امید نداشتن و دست روی دست گذاشتن، حاکم شدن طاغوت بر جهان می شود. این حاکمیت به تبع، یک حکمرانی به وجود می آورد که میلیون ها بل میلیارد ها نفر را از سر سفره توحید و سعادت و دین داری خارج می کند و الی الابد، ابدیت آنان را نابود می سازد.

درحالی که خداوند حاکمیت طاغوتیان بر مسلمین و مؤمنین را روا نمی دارد. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».^۴

برای سعادت مندی بشر و رهایی آنان از دست طاغوتیان باید امید بالایی به خدا داشت و دست به اقدام زد. همه بدبختی های جهان از بابت حاکمیت

۱. القصص: ۵.

۲. المائدة: ۲۴.

۳. المائدة: ۲۶.

۴. النساء: ۱۴۱.

طاغوتیان برجهان است.

ملت ایران، آن میزان که مجرای فیض و سبب فیض الهی شد، ملت‌های دیگر را از سلطه طاغوتیان نجات بخشید.

سوم: مستکبرین عالم و تغییر صف توحیدی

از منظر سومی نیز می‌توان به نقش مؤمنین در عالم و تحقق اراده الهی توجه داشت. توضیح مطلب آنکه: یکی از اهداف مهم و والای پیامبران و اولیاء الهی علیهم‌السلام اقامه عدل و قسط و نفی ظلم و تبعیض بوده است. از منظر توحیدی به هیچ وجه معنا ندارد که فرد یا گروهی، افراد دیگری را مورد سلطه و استثمار قرار بدهند چنانچه می‌دانیم «اصلی‌ترین رکن در اسلام توحید است. اندیشه توحیدی به عنوان ریشه اصلی در تمام زوایا و فروع اسلام دیده می‌شود. در اندیشه توحیدی تأکید بر آن است که در عالم، تنها یک موجود حقیقی وجود دارد و سایرین بنده و عبد او هستند»^۱.

در این نوع نگاه به جهان، در عالم دو صف وجود دارد. یکی صف پروردگار و عزتمندی او و دیگری صفی مجازی از بندگان که در مقابل عزت ربوبی پروردگار هیچ و پوچ‌اند و شأنی جز عبد او بودن را ندارند. در این صف مخلوقات همه برخوردار از حقوقی یکسان بوده و هیچ شخصی حقی افزون بر دیگری ندارد. ممکن است برخی انسان‌ها دارای استعداد بیشتر یا امکانات فراوان‌تری باشند ولی حقوق فردی و اجتماعی همه یکسان است. چنین نگاهی به مخلوقات و عالم ثمره جهان‌بینی توحیدی است. با مطالعه تاریخ می‌بینیم که مبارزه با

۱. در نگاه عمیق عرفانی، «نمود» او هستند.

دیدگاه و اندیشه توحیدی مسئله امروز جهان نیست بلکه از زمان فرعونیان وجود داشته و خواهد داشت».^۱

در طول دوره‌های مختلف سلطه‌طلبان سعی داشته‌اند که با تفکر توحیدی مقابله کرده و به انحاء مختلف با آن مبارزه نمایند. آن‌ها به دنبال القا تفکری بوده‌اند که در آن صف عبودی موجود در عالم را تغییر داده و صف بندی جدیدی ایجاد نمایند. تا آنجایی که صف خود را از سایر انسان‌ها جدا کرده و خود را در بین مخلوقات عالم برتر از سایرین نشان داده و بالاتر از آن به جای خدا بنشینند. برای القاء چنین تفکری از راه‌های مختلفی استفاده کرده و از هیچ تلاشی فروگذار نبوده‌اند. عده‌ای خود را اَمت برگزیده معرفی کردند و برخی پیامبر خود را فرزند خدا نامیدند تا به این واسطه حَقّی بیش از دیگران برای خود، قائل شوند. به هر حال در اندیشه توحیدی جامعه عبارت است از مجموعه‌ای که تمام افراد آن از حقوق اجتماعی یکسان بهره می‌برند و هیچ کس حق سلطه و استثمار دیگری را ندارد. پس ذات حرکت و نیت مستکبرین جهان تغییر صف بندی عالم است. مسئله‌ای که بسیاری از مسلمین و مؤمنین به آن توجهی ندارند و چنین نیتی جز مبارزه با توحید نیست.

۱. ر.ک: سید علی خامنه‌ای (آیت الله)؛ *برای حقیقت؛ صص ۶۷ و ۶۸* - برگرفته از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ با اندکی تغییر.

پرسش ۱۱

با وجود وضعیت اسفبار کشور چه امیدی
به انتخابات و شرکت در آن وجود دارد؟

یکم: توجه به جایگاه کشور و پرهیز از تمرکز بر نقاط ضعف

بدون تردید مشکلاتی در کشور وجود دارد اما تعبیر وضعیت موجود به اسفبار نیز صحیح نیست. در بررسی وضعیت یک کشور باید عوامل متعددی در نظر گرفته شود که در ادامه با بیان برخی از دستاوردها و پیشرفت‌های پس از انقلاب به این نتیجه می‌رسیم که وضعیت کنونی کشور به مراتب از قرن چهارم که موسوم به دوران طلایی اسلام است برتری چشمگیرتری دارد. در آن دوران نیز مشکلاتی وجود داشته است و مسلماً در تحلیل مردم آن عصر به این صورت نبوده است که در قرن طلایی اسلام زندگی می‌کنند؛ بنابراین شبهه مذکور از رهگذر عدم شناخت زمانه خود و صرفاً با تمرکز بر نقاط ضعف شکل گرفته است.

ما در قرن چهارم هجری یعنی قرن دهم میلادی دوران شکوفایی داشتیم. می‌دانید که قرن دهم میلادی، تقریباً قرن آغاز قرون وسطای معروف اروپاست که شش، هفت قرن هم طول کشیده است. البته قرون وسطی از قرن دهم هم شروع نشده است قبل از آن شروع شده بود اما قرن دهم اوج تاریکی اروپاست. می‌دانید قرن دهم میلادی و قرن چهارم هجری در ایران شما و در محیط

اسلامی چه خبر بود؟ قرن چهارم هجری، قرن شکوفایی علم و فلسفه در کشور شما و در دنیای اسلام است؛ قرن ابن سینا؛ قرن فارابی؛ قرن رازی؛ قرن حکمای بزرگ الهی؛ قرن شخصیت‌هایی که بعضی از آثار علمی آن‌ها دنیا را تا همین روزهایی که من و شما زندگی می‌کنیم، هنوز در تسخیر خود دارد. امروز ایران بلاشک از دورانی که ابن سینا و فارابی و خوارزمی و رازی و شیخ طوسی و سایر دانشمندان را پروراند، برای پرورش چنین شخصیت‌های بزرگی به مراتب آماده‌تر است.^۱

دوم: توجه به پیشرفت‌ها و دستاوردهای انقلاب

به اعتراف مجامع جهانی و غربی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های متعدد علمی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و مانند آن بسیار زیاد بوده است. برای نمونه در مقطعی پیشرفت علمی کشور سیزده برابر پیشرفت علمی جهان بوده است.

پیشرفت‌های ملت ایران در این سه دهه، متناسب با سی سال نیست؛ یک نمونه‌اش پیشرفت‌های علمی است که مجامع جهانی چاره‌ای ندارند که به آن‌ها اعتراف کنند؛ که اعتراف هم کردند. سرعت پیشرفت علمی ما سیزده برابر متوسط جهانی است؛ این شوخی است؟ در عین حال با این سرعت پیشرفت، ما هنوز از لحاظ علمی عقبیم. ببینید ما چقدر عقب بودیم! با اینکه بیش از ده برابر متوسط سرعت جهانی داریم حرکت می‌کنیم، هنوز عقبیم. پس این سرعت را باید حفظ کرد. این بخشی است که دشمن اعتراف می‌کنند؛ یک بخش‌هایی هم هست که دشمن نباید اعتراف کند، اعتراف هم نمی‌کند؛

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر*؛

در زمینه‌ی سیاسی همین‌جور است، در زمینه‌ی اجتماعی همین‌جور است، در زمینه‌ی سازندگی کشور همین‌جور است، در زمینه‌ی آگاهی و بصیرت عمومی همین‌جور است؛ این‌ها را دشمنان ما در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان مصلحت نمی‌دانند بگویند، که مبدا ملت ما را تشویق کنند به پیشرفت این کار. در خصوص اقتدار ملی و آبروی بین‌المللی هم سرعت پیشرفت باید با همین نسبت ملاحظه شود. این پیشرفت‌ها به برکت انقلاب است؛ اما در عین حال این پیشرفت‌ها همچنان کم است؛ باید این پیشرفت‌ها افزایش پیدا کند.^۱

جدیدترین آمار در رابطه با پیشرفت‌های اقتصادی کشور عبارت است از:

بانک جهانی در بخشی از گزارش جدید خود با عنوان دورنمای اقتصادی جهان آمار مربوط به رشد اقتصادی ۷۲ کشور جهان در سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۲ برابر با پاییز سال گذشته را منتشر کرده است. در واقع ایران از نظر رشد اقتصادی در میان ۷۲ اقتصاد دنیا در پاییز گذشته در رتبه ۱۵ جهان قرار گرفته است، یعنی تنها ۱۴ کشور رشد اقتصادی بیشتری نسبت به ایران در این دوره داشته‌اند.

آمار بانک جهانی نشان می‌دهد ایران در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۲ (زمستان سال ۱۴۰۰) رشد قابل توجه ۵ درصدی را تجربه کرده و این رقم در سه‌ماهه دوم (بهار ۱۴۰۱) به ۲.۵ درصد کاهش یافته است، اما در سه‌ماهه سوم (تابستان ۱۴۰۱) روند رشد اقتصادی ایران صعودی شده و به ۳.۴ درصد و در سه‌ماهه چهارم (پاییز ۱۴۰۱) به ۴.۷ درصد رسیده است. رشد ۴.۷ درصدی اقتصاد ایران در پاییز سال گذشته در حالی است که متوسط رشد اقتصادی

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان؛ ۱۳۹۲/۰۲/۱۸.

کشورهای پیشرفته در این دوره تنها ۱.۲ درصد بوده است. اقتصاد آمریکا در این زمان تنها ۰.۹ درصد، منطقه یورو ۱.۸ درصد و ژاپن ۰.۴ درصد رشد کرده‌اند. کشور در حال توسعه‌ای مثل چین نیز در این دوره رشد ۲.۹ درصدی و هند رشد ۴.۵ درصدی داشته‌اند.

متوسط رشد اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز در زمستان گذشته برابر با ۴.۹ درصد برآورد شده است. این بانک از رشد ۴.۷ درصدی اقتصاد ایران در پاییز سال گذشته خبر داده است که رقم قابل توجهی در مقایسه با کشورهای دیگر است.^۱

نکته حائز اهمیت آن است که:

همه این پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و فنی در شرایط تحریم اتفاق افتاده است.^۲

سوم: تلاش در جبران نقاط ضعف

آمارهای فراوان دیگری از پیشرفت‌های کشور در عرصه‌های مختلف وجود دارد که به آسانی قابل دسترسی است بنابراین به نظر می‌رسد با کسب اطلاع دقیق‌تر از وضعیت موجود تا حد زیادی می‌توان از ناامیدی خارج شد.^۳ از سوی دیگر بدون مشارکت در حل مشکلات کشور و تلاش در جبران نقاط ضعف موجود، نمی‌توان بر مشکلات غلبه کرد و نیاز به تلاش جدی در رفع نقاط ضعف است.

۱. <https://www.irna.ir>.

۲. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *خطبه‌های نماز جمعه تهران*؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

۳. در مورد ناامیدی به پرسش هشتم رجوع نمایید.

چهارم: مطالبه‌گری از مسئولان

چنانچه پیش از این نیز گفته شد بهبود وضعیت کشور مسئله‌ای فردی یا به دست گروهی خاص نیست بلکه آحاد مردم در این مسئله با حفظ درجاتی سهیم هستند. قدم نخست انتخاب افراد لایق است و بدون انتخاب افراد شایسته نمی‌توان انتظار بهبود وضعیت کشور را داشت. شایسته سالاری رمز موفقیت و شرط لازم برای پیشرفت کشور است.

در گام دوم مطالبه‌گری از افراد شایسته‌منتخب، ضروری است. چرا که این کار باعث جهت‌دهی به مسئولان شده و از انحراف آن‌ها جلوگیری می‌کند.

پرسش ۱۲

فلسفه مجلس شورای اسلامی و وظایف
عمده آن چیست؟

یکم: فلسفه و مبنای وجودی مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه) به عنوان نهاد قانون گذاری و نظارتی که با رأی مستقیم مردم در سراسر ایران تشکیل می شود، از نظر قانون اساسی مظهر قدرت و حکومت مردم و تبلور جمهوریت است و دو قوه دیگر در حقیقت هر کدام به نوعی مجری مصوبات آن هستند.

فلسفه و مبنای وجودی مجلس شورای اسلامی تحقق عینی آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بُيُوتِهِمْ»^۱ است که مقرر می دارد مؤمنین امور خود را با مشورت یکدیگر حل می کنند؛ و تحقق عملی اصل ۶ قانون اساسی است که اداره کشور را بر مبنای آراء عمومی از راه انتخاباتی از جمله انتخاب نمایندگان مجلس می داند و نیز بر پایه اصل ۷ قانون اساسی است که مجلس شورا را یکی از شوراهایی دانسته که از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشور است.

مجلس شورای اسلامی بر مبنای فلسفه وجودی که متناسب با عنوان نیز هست، کار خود را از طریق شورا به صورت جلسات علنی و غیرعلنی و

کمیسیون‌ها انجام می‌دهد.^۱

در صفت «اسلامی» که به جای «ملی» اطلاق می‌شود، تمامی محتوای اسلام در ارتباط با مجلس شورا مورد توجه بوده است؛ یعنی از یک طرف «شورا» باید بر پایه مقررات اسلامی بر مبنای عمل قرار گیرد مثلاً از جدال و ستیزه‌جویی پرهیز شود و در بحث‌های شورایی هدف کشف حقیقت و توافق بر آن و پذیرش سخن حق باشد. از طرف دیگر صفت «اسلامی» مجلس را موظف می‌سازد که در تدوین و تصویب قوانین در زمینه نظام داخلی و سیاست و روابط خارجی، اسلام را مبنای عمل خود بداند و از آن تخطی نکند و هر مسئله‌ای را با راه حل و معیار اسلامی مورد مطالعه قرار دهد.

مثلاً برای مسائل مهمی از قبیل آزادی‌ها، احزاب، مالکیت، شوراها، حقوق مدنی و ... با معیارها و مقررات اسلامی، خط مشی و قانون تصویب کند و ادعاهای افراد خاصی که نمی‌خواهند اسلام حاکمیت یابد، نباید سبب آن شود که مجلس از حدود الهی خارج شود؛ چه این انحراف است و به فرموده قرآن پیروی از هواهای دشمنان اسلام موجب گمراهی خواهد بود و همچنین اهدافی از قبیل آنچه منافع ملی و سیاست ملی گفته می‌شود، فقط در محدوده مفاهیم و مقررات اسلامی برای مجلس قابل پذیرش است نه به صورت مجرد؛ زیرا مجلس که مظهر اراده مردم است بر اساس اصل ۱۱ قانون اساسی همه مسلمانان را باید یک امت بداند و برای تحقق وحدت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام بکوشد.^۲

۱. آشنایی با مجلس شورای اسلامی: به ضمیمه کارنامه سال اول مجلس، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۳.

قوه مقننه از آنجا که تبلور اراده ملت است، بر اساس اصل ۷۶ حق تحقیق و تفحص در تمامی امور کشور را دارد و به تناسب چنین اختیاری هر یک از نمایندگان به موجب اصل ۸۴ در برابر تمامی افراد ملت مسئول اند و به لحاظ این که لازمه چنین مسئولیتی، آزادی است، هر نماینده‌ای به علت اظهارنظری که به جهت ایفای وظایف نمایندگی می‌دهد، بر مبنای اصل ۸۶ از آزادی کامل برخوردار است و هیچ کس نمی‌تواند او را تعقیب یا توقیف کند.

قانون اساسی به موجب اصل ۷۱ به مجلس شورای اسلامی حق داده است تا در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی، قانون وضع کند و با این اصل در واقع حافظ نظام جامعه تلقی می‌شود. بدین ترتیب بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی عامل مهم استقلال و رشد و آزادی امت اسلامی است که نه تنها با تصویب کلیه روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با خارج، می‌تواند مانع نفوذ امپریالیسم شود بلکه با داشتن حق رأی اعتماد به دولت (اصل ۸۷) و حق استیضاح هیئت دولت (اصل ۸۹) از خودکامگی قوه مجریه و استبداد و دیکتاتوری داخلی نیز جلوگیری می‌کند.^{۱ و ۲}

دوم: وظایف عمده مجلس

طبق اصل ۶۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. دوره نمایندگی مجلس چهار سال است که انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره

۱. همان، ص ۱۴.

۲. پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

قبل برگزار شود، به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد. از تاریخ همه پرسی سال ۱۳۶۸ پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن‌ها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود.

زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی حد نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس‌جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. تنها در شرایط اضطراری و در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس‌جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از هر طرف

شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.^۱

۱. پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

پرسش ۱۳

تاریخچه مجلس به شکل کنونی در ایران
به چه دورانی بازمی‌گردد؟

چنانچه پیش از این گفته شد توجه به مفهوم مشارکت یکی از نقاط قوت فرهنگی ایرانیان است با نگاهی گذرا به تاریخ مجلس از دوران قاجار تا پیش از انقلاب اسلامی می‌توان مهم‌ترین مجالس را به صورت اجمالی مرور نمود:

یکم: مجلس شورای دولتی

در تاریخ مشروطیت ایران مجلسی که نخستین بار در ۱۲۷۶ ه.ق به فرمان ناصرالدین شاه قاجار برای رسیدگی به کلیه امور کشوری تأسیس شد تا اعضای آن با مسئولیت مشترک به مسائل مملکتی رسیدگی کنند و نتیجه را به شاه گزارش دهند و پس از تصویب به مورد اجرا بگذارند.

اعضای این مجلس در آن سال این اشخاص بودند: اعتضادالسلطنه وزیر علوم، نصره‌الدوله حکمران دارالخلافه، سپهسالار، مستوفی‌الممالک، عباس‌قلی خان جوان‌شیر وزیر عدلیه، امین‌الدوله، میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه، سپهدار، ناصرالملک وزیر تجارت و دبیرالملک. این مجلس بعدها به نام‌های دیگر دارالشورای دولتی و مشورت‌خانه نامیده شد و تغییراتی در آن صورت گرفت، ولی با حکومت استبدادی آن زمان ناگزیر نمی‌توانست سودی برای بهبود حال مردم

داشته باشد.^۱

دوم: مجلس عالی یا مجلس فوق العاده

در تاریخ مشروطیت ایران، انجمنی مرکب از عده‌ای متجاوز از ۵۰۰ نفر از بقایای نمایندگان مجلس اول و وجوه علما و شاهزادگان و اعیان و تجار و رؤسای اصناف مشروطه خواه که پس از فتح تهران به دست مجاهدین تشکیل شد. (جمعه ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق). این مجلس به دعوت و تدبیر رؤسای مجاهدین (در غیاب مجلس شورای ملی و بر حسب ضرورت فوری) برای تعیین تکلیف محمدعلی شاه قاجار و نظارت بر امور مملکت و تعیین خط مشی سیاست در بهارستان تشکیل یافت و پس از ایراد خطابه‌ها و اعلان تصمیم مجلس در خلع و عزل محمدعلی شاه و در انتخاب پسرش سلطان احمد میرزا به سلطنت، هیئتی مأمور شد تا طرحی جهت اجرای این مقصود تهیه کند.

آن طرح که عبارت از اعلان تحصن و استعفای عملی و در واقع اعلام خلع محمدعلی شاه و انتصاب سلطان احمد میرزا ولیعهد به سلطنت و تفویض نیابت سلطنت به عضدالملک قاجار بود، در مجلس عالی با شور و هلهله‌ای تمام به تصویب رسید و بلافاصله به همه ولایات و ممالک اعلام و ابلاغ شد. همچنین در همان جلسه به موجب تصویب مجلس عالی، وزارت جنگ به سپهدار تنکابنی و وزارت داخله به سردار اسعد سپرده شد.

پس از آن این اقدامات به علمای عتبات اعلام شد و مجلس عالی هیئتی را جهت ابلاغ اعلامیه‌ی عزل محمدعلی شاه به سفارت روس فرستاد که

۱. غلامحسین مصاحب؛ *دائرة المعارف فارسی*، ج ۲، ص ۲۶۶۰.

محمدعلی شاه آن هیئت را نپذیرفت؛ اما آن هیئت نزد احمدشاه قاجار که نیز با پدر در سفارت روس بود رفته انتصاب او را به سلطنت اعلام کرد و تبریک گفت. مجلس عالی به علت آنکه کثرت تعداد اعضای آن تا حدی مانع اخذ تصمیمات بود، هیئت دیگری به نام کمیسیون عالی برای اداره‌ی امور و نظارت بر جریان انتخاب و انحلال خود را اعلام کرد.^۱

سوم: مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی بر اثر انقلاب مشروطیت به موجب فرمان مورخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه. ق مظفرالدین شاه قاجار تأسیس شد و از تاریخ ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ ه. ق که در قصر گلستان با حضور مظفرالدین شاه گشایش یافت و ۲۴ دوره منعقد شده است.

در دوره اول انتخابات صنفی بود و هر یک از طبقات اعیان و خوانین و شاهزادگان قاجاریه و حجاج اسلام و تجار و اصناف نمایندگانی داشتند، در این دوره رسم این بود که اگر نماینده محلی مستعفی یا فوت می شد، نمایندگان همان محل در مجلس برای او جانشین تعیین می کردند و این وکیل را نماینده مجلس می خواندند. مجلس اول در واقع مجلسی بود که قوانین و نظامات عالی و مهم وضع و تدوین کرده و در استقرار اصول عدالت و قطع نفوذ متنفذین و مستبدین اهتمام بسیار نمود.

مجلس دوم که بعد از دوره‌ی استبداد صغیر و خلع و عزل محمدعلی شاه قاجار افتتاح و تشکیل یافت، با اشکالات خارجی و بحران های مالی بزرگ مواجه

شده و با تهدید اولتیماتوم خارجی خاتمه یافت و مجلس سوم بعد از سه سال فترت (فاصله و وقفه میان دو دوره) افتتاح شد و بیش از یک سال دوام نیاورد و منحل شد و بعد از آن نیز دوره فترتی طولانی پیش آمد.

در بین سایر ادوار، مجلس پنجم به سبب مبارزات اقلیت آن که به رهبری مدرس اداره می شد و مجلس سیزدهم به سبب وجود و بروز مشکلات ناشی از وجود قوای خارجی در ایران و مجلس چهاردهم به علت مبارزات و کشمکش های ملکی و قضیه نفت شمال و مجلس شانزدهم به سبب مبارزات مصدق و مشاجرات راجع به ملی کردن صنعت نفت، شهرت خاصی یافته اند. مجلس هفدهم به سبب استعفای اکثریت اعضای آن در مرداد ۱۳۳۲ ه.ش تعطیل شد و چون دگر بار به جهاتی تشکیل آن ممکن نشد، در ۲۸ آذر ۱۳۳۲ ه.ش به موجب فرمان شاه انحلال آن رسماً اعلام شد.

در مجلس نوزدهم قانونی تصویب شد که بنابر آن تعداد نمایندگان از ۱۳۶ نفر به ۲۰۰ نفر و دوره نمایندگی از دو سال به چهار سال افزایش یافت. عمر مجلس بیستم در نتیجه ناخرسندی مردم از جریان انتخابات نزدیک دو ماه ونیم بیشتر نبود و در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ ه.ش با فرمان شاه منحل شد. پس از تغییر قانون انتخابات از مجلس بیست و یکم چند تن از بانوان به عنوان نماینده به مجلس راه یافتند. از این دوره به بعد انتخابات مجلس نظم تاریخی خاص پیدا کرده و هر چهار سال دوره جدید از ۱۴ مهر آغاز شده است.^۱

چهارم: مجلس سنا

به موجب اصل چهل و سوم قانون اساسی ایران، تعداد نمایندگان این مجلس ۶۵ نفر بود و به موجب اصل چهل و پنجم همین قانون ۳۵ نفر آن‌ها که پانزده نفرشان از اهالی تهران و ۱۵ نفر از اهالی ولایات بودند، از طرف شاه و سی نفر دیگر نمایندگانی بودند که از طرف ملت، ۱۵ نفر به انتخاب اهالی تهران و ۱۵ نفر به انتخاب اهالی ولایات، تعیین می‌شدند.

مجلس سنا تا سال ۱۳۲۸ ه.ش تشکیل نشده بود و در این سال از اولین دوره تقنینیه مجلس شورای ملی، در بهمن‌ماه ۱۳۲۸ ه.ش گشایش یافت و موجبات اجرای اصل چهل و سوم قانون اساسی ایران فراهم آمد. مجلس سنا کلاً هفت دوره تقنینیه داشته است.

تا سال ۱۳۴۲ ه.ش که قانون انتخابات تغییر یافت، نمایندگان مجلس را کلاً مردان تشکیل می‌دادند ولی از این سال به بعد چند تن از بانوان نیز به مجلس راه یافتند. از این دوره اجلاسیه‌ی جدید از ۱۴ مهر آغاز شده است.

نحوه انتخابات مجلس سنا در بدو امر طبق نظامنامه مورخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۸ ه.ش دو درجه‌ای بوده است که بعد از اصلاح این نظامنامه در سال ۱۳۳۹ ه.ش انتخابات به طور یک درجه‌ای صورت می‌گرفت.

مدت هر دوره تقنینیه سنا در ابتدای تشکیل ۶ سال بود و بنابر ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس سنا چنین مقرر بود که در پایان هر سه سال اول نصف عده‌ی اعضا تجدید شود. به این ترتیب که ۱۵ نفر از اعضا انتخابی و ۱۵ نفر از اعضای انتصابی به حکم قرعه خارج شده جانشین آن‌ها بر طبق این قانون انتخاب یا منصوب شود. پس از آن انتصاب یا انتخاب هر عضوی که مدت عضویت ۶ ساله‌اش به پایان می‌رسید، تجدید می‌شد. مقررات این ماده در موردی هم رعایت

می‌شد که سنا پس از انحلال دوباره افتتاح می‌یافت.^۱

با اصلاح قانون مزبور در تاریخ بیست و سوم خرداد ۱۳۴۵ ه.ش، مدت عضویت به ۴ سال تقلیل یافت.

طبق اصل چهل و ششم قانون اساسی، پس از انعقاد سنا، تمام امور باید به تصویب هر دو مجلس باشد. اگر آن امور در سنا یا از طرف هیئت وزرا عنوان شده باید اول در مجلس سنا تنقیح و تصحیح شده به اکثریت آراء قبول شود و بعد به تصویب مجلس شورای ملی برسد. ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان می‌شد از این مجلس به مجلس سنا می‌رفت مگر امور مالی که مخصوص مجلس شورای ملی بود و قرار مجلس در امور مذکور به اطلاع مجلس سنا می‌رسید تا مجلس مزبور ملاحظات خود را به مجلس شورای ملی اظهار کند ولی مجلس شورای ملی مختار بود ملاحظات مجلس سنا را بعد از مذاقه‌ای لازم قبول یا رد کند.^۲

پنجم: مجلس مؤسسان

مجلسی که قدرت طرح‌ریزی یا تغییر دادن قانون اساسی را دارد. منشأ این اصطلاح از انقلاب فرانسه است؛ مجلس ملی که در ۱۷ ژوئن ۱۷۸۹ اعلام شد. در تاریخ مشروطیت ایران، چند مجلس مؤسسان منعقد شده است. بعضی اولین مجلس شورای ملی (۱۸ شعبان ۱۳۲۴ - ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ ه.ق) را از آن جهت که قانون اساسی ایران و متمم آن در آن دوره وضع شد، مجلس مؤسس

۱. همان؛ ج ۲، بخش دوم (م-ی)، ص ۲۶۵۹.

۲. همان، ص ۲۶۶۰.

شمرده‌اند. در ۹ آبان ۱۳۵۴ ه.ش ماده واحده‌ای از مجلس شورای ملی گذشت که به موجب آن انقراض سلطنت قاجاریه و خلع احمدشاه از سلطنت و تشکیل مجلس مؤسسان برای اصلاح اصول مربوط به سلطنت تصویب شد.

به زودی انتخابات مجلس مؤسسان در سراسر کشور آغاز شد و در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۵۴ ه.ش این مجلس در تهران (در محل تکیه‌ی دولت) شروع به کار کرد و ۶ روز بعد با تصویب ماده‌ی واحده اصول ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی تغییر یافت و مواد جدیدی به جای آن مقرر شد.

با آنکه تشکیل مجلس سنا در قانون اساسی پیش‌بینی شده بود، نمایندگان مجلس شورای ملی عموماً، برای آنکه اختیارات بیشتری داشته باشند، مانع تشکیل این مجلس می‌شدند و همین امر اختلافاتی را میان قوه مقننه و قوه مجریه فراهم آورده بود. در ۱۳۲۷ ه.ش دولت وقت طرحی را از تصویب مجلس شورای ملی گذراند و بنا بر آن فرمانی برای تشکیل یک مجلس مؤسسان، به منظور تجدیدنظر در اصل ۴۸ قانون اساسی، صادر شد.

در دومین مجلس مؤسسان در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۸ ه.ش ماده‌ای به نام «اصل الحاقی» به تصویب رسید.

در اردیبهشت ۱۳۳۶ ه.ش «مجلس واحد» مرکب از اعضای دو مجلس شورای ملی و سنا (به نام کنگره) دعوت شدند و این کنگره در اصول چهارم و پنجم و ششم و هفتم قانون اساسی و اصول دیگری که در مجلس مؤسسان دوم (اردیبهشت ۱۳۲۸ ه.ش) تصریح شده بود، تجدیدنظر کرد. در ۱۸ شهریور ۱۳۴۶ ه.ش نیز مجلس مؤسسائی تشکیل شد که اصل ۳۸ و ۴۱ متمم قانون اساسی را

۹۲ • نقطهٔ وصل

اصلاح کرد.^{۱و۲}

۱. همان؛ ص ۲۶۶.

۲. پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

پرسش ۱۴

فرایندهای کاری مجلس چگونه است؟

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در انجام وظایف نمایندگی به دو کار مهم می‌پردازند، یکی شرکت در جلسات علنی برای بیان نظرات و بررسی نهایی طرح‌ها و لوایح و سرانجام تصویب یا رد آن‌ها و دیگر شرکت در کمیسیون‌های داخلی مجلس به منظور بحث و بررسی پیرامون لوایح و طرح‌های پیشنهادی.

یکم: برنامه جلسات علنی مجلس

مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس، نمایندگان باید در روزی که قبلاً برای تشکیل جلسه معین می‌شود در مجلس حاضر شوند و نهایتاً ۱۵ دقیقه پس از تشکیل جلسه در تالار جلسه حضور یابند، در صورت تأخیر، از طرف هیئت رئیسه اسامی متأخرین اعلام خواهد شد و نیز هر یک از نمایندگان که در مواقع اخذ رأی با اعلام قبلی رئیس مجلس مبنی بر منع خروج از جلسه بدون عذر موجه غایب باشد برای هر رأی مستحق یک توبیخ است.

مذاکرات مجلس، طبق اصل شصت و نهم قانون اساسی علنی و گزارش کامل آن باید به‌طور مستقیم از طریق رادیو و روزنامه کشور برای اطلاع عموم منتشر شود. در جلسات علنی، مردم و خبرنگاران رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی می‌توانند شرکت کنند. ترتیب جلسات مجلس و دستور جلسات و نحوه انتقاد و اداره آن و انجام نطق‌های قبل از دستور و مذاکرات و جریان بررسی و تصویب

لوايح و طرح‌ها و سؤال از هيئت وزيران و استيضاح آن‌ها و تشكيل جلسات غيرعلنی و ... به شرح ذيل می‌باشد:

۱. رسميت جلسه و اعلام آن توسط رئيس و قرائت دستور جلسه به وسيله منشی.

۲. تلاوت آیاتی از کلام الله مجید.

۳. گزارش احتمالی حوادث مهم و مسائل فوری روز توسط رئيس و قرائت تذکرات نمایندگان مردم در مجلس به مسئولان اجرایی کشور.

۴. بررسی طرح‌ها و لوايح و سؤالات احتمالی نمایندگان از وزرا.

۵. بیانات قبل از دستور نمایندگان.

۶. اعلام وصول لوايح و طرح‌ها.

۷. قرائت اسامی غائبین و دیرآمدگان.

۸. اعلام ختم جلسه و تاریخ تشکیل و دستور جلسه آینده.

حال به توضیح مختصری درباره (برخی از) موارد فوق اکتفا می‌کنیم:

۱. جلسات علنی مجلس با حضور حداقل دو سوم مجموع نمایندگان (۱۹۳ نفر) در روزی که قبلاً برای تشکیل جلسه معین می‌شود، رسمیت می‌یابد و نمایندگان حداکثر پانزده دقیقه پس از وقت تعیین شده مکلف به حضور در تالار جلسه می‌باشند. تشکیل جلسات و رعایت ترتیب مذاکرات و اجرای آیین‌نامه و حفظ نظم جلسه به عهده رئيس و تشخیص عده حضار با استفاده از تابلو و یا طریق دیگر به عهده منشیان است که اول جلسه و قبل از اخذ آراء به وسيله رئيس جلسه باید اعلام گردد.

۲. سپس منشی دستور جلسه را قرائت می‌نماید. جلسات رسمی با تلاوت

آیاتی چند از قرآن مجید که حتی الامکان متناسب جلسه آن روز انتخاب می شود آغاز می گردد.

۳. بیانات میان دستور نمایندگان: از آنجا که طبق اصل ۸۴ قانون اساسی «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید» در ماده ۷۲ آیین نامه داخلی مجلس پیش بینی گردیده که هر یک از نمایندگان که مطلب مهمی برای اطلاع مجلس و ملت داشته باشد می تواند با رعایت نوبت صحبت کند.

نطق میان دستور فقط بیان نظرات و مواضع خود شخص محسوب می گردد و بر طبق قانون اساسی نمایندگان در مقام ایفای نمایندگی در اظهارنظر آزادند و نمی توان آن ها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند تعقیب یا توقیف کرد اما بر طبق آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نمایندگان بر اساس مسئولیت نمایندگی، خود را متعهد و ملزم به حفظ حیثیات مجلس و نمایندگان و رعایت نظم و نوبت و اجراء آیین نامه داخلی می دانند.^۱

۴. دستور مجلس: دستور مجلس معمولاً بررسی طرح ها و لوایح یا سؤال و در موارد ضروری استیضاح نمایندگان از هیئت وزیران یا هر یک از وزراء می باشد. دستور هفتگی مجلس باید به ترتیب وصول لوایح و طرح ها از کمیسیون ها از طرف هیئت رئیسه مجلس تهیه و پس از انتشار و توزیع بر لوحه مخصوص نصب شود.

۱. آشنایی اجمالی با مجلس شورای اسلامی، مجلس و راهبرد، صص ۹۳-۹۵.

دوم: بررسی طرح‌ها و لوایح و تصویب آن‌ها

بر اساس قانون اساسی، مجلس در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند (اصل ۷۱). طبق اصل ۷۴ قانون اساسی لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان در مجلس قابل طرح است و بر اساس اصل ۹۴ کلیه مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان فرستاده شود و در صورت تشخیص عدم مغایرت آن با موازین اسلام و قانون اساسی، مصوبه قابل اجراست و برای اجرا به رئیس جمهوری ابلاغ می‌شود و رئیس جمهوری موظف است مصوبات مجلس را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و ظرف پنج روز برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد. لوایح و طرح‌ها می‌تواند عادی، یک‌فوریتی، دوفوریتی و یا سه فوریتی و متناسباً یک شوری و یا دو شوری باشد.^۱

سوم: جلسات غیرعلنی

اصل شصت و نهم قانون اساسی در این مورد چنین می‌گوید: مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود.

در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات

این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.^۱

چهارم: ساختار تشکیلاتی مجلس

از لحاظ تشکیلاتی چهار نهاد مرکز پژوهش‌های مجلس، دیوان محاسبات کشور، مرکز تحقیقات اسلامی و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، جزو زیرمجموعه مجلس شورای اسلامی است. علاوه بر نهادهای فوق‌الذکر، مجلس دارای سه معاونت نظارت، قوانین و اجرایی است.

معاونت نظارت

اگرچه وظیفه نظارت طبق قانون اساسی، بر عهده نمایندگان مجلس گذاشته شده، اما به دلیل حجم اشتغال وقت نمایندگان از قبیل پیگیری مسائل متعدد حوزه‌های انتخابیه و حل مشکلات مردم، ملاقات‌های مردمی، دیدار با مسئولان و حضور الزامی در صحن و کمیسیون‌های تخصصی موجب می‌شود تا فرصت کمتری برای پرداختن تخصصی به مقوله نظارت برای نمایندگان فراهم بیاید. با این استدلال مجلس دارای معاونت نظارت است تا مسائل را به صورت تخصصی‌تر پیگیری کند.

معاونت قوانین

فرایند قانون‌گذاری در مجلس شورای اسلامی با ارائه طرح و لایحه در صحن علنی مجلس آغاز شده و با انتشار قوانین ابلاغی به دولت در روزنامه رسمی

خاتمه می‌یابد. سلسله اقداماتی که در این فرایند وجود دارد، در معاونت نظارت انجام می‌گیرد. این معاونت دارای ۳ اداره کل به نام‌های اداره کل تدوین قوانین، اداره کل کمیسیون‌ها، صحن و مشاورین و اداره کل اسناد و تنقیح قوانین است.

معاونت اجرایی

فعالیت‌های اداری مجلس زیر نظر این معاونت قرار دارد.

اداره کل بین‌الملل

با توجه به گستره فعالیت‌های دیپلماتیک قوه مقننه و پیگیری مباحث مرتبط با دیپلماسی پارلمانی، اداره کل بین‌الملل مجلس تشکیل شده است.^۱

۱. پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

پرسش ۱۵

آسیب‌های مشارکت حداقلی در انتخابات
برای کشور چه هستند؟

بی‌توجهی به سرنوشت اجتماعی کشور و بی‌تفاوتی نسبت به وظایف اجتماعی و سیاسی دارای آسیب‌های فردی و اجتماعی متعددی است که در ادامه به صورت مختصر به برخی از آنان اشاره می‌شود.

یکم: آسیب‌های امنیتی

امنیت از مهمترین مسائل کشور است و ارتباط وثیقی میان صیانت کشور با انتخابات وجود دارد. حضور در انتخابات برای دشمن به مراتب ترسناک‌تر از قدرت نظامی است.

انتخابات اگر پُرشور انجام بگیرد و مردم به صورت کامل پای صندوق‌های رأی حضور پیدا کنند، این تضمین‌کننده امنیت کشور است، امنیت کشور را تضمین می‌کند؛ چرا؟ برای خاطر اینکه دشمنانی که کشور را، ملت را تهدید می‌کنند، از پشتوانه مردمی بیشتر هراس دارند تا امکانات تسلیحاتی ما؛ بله از موشک ما هم می‌ترسند اما از پشتوانه مردمی نظام بیشتر می‌ترسند. حضور در انتخابات نشان‌دهنده پشتوانه مردمی از نظام است، به همین دلیل موجب

امنیت است.^۱

حضور مردمی، همبستگی ملی را به دنبال دارد و خنثی کننده نقشه‌های دشمنان است.

اصل حضور مردم در صحنه‌ی انتخابات مهم است؛ زیرا مشارکت عمومی نشان‌دهنده‌ی همبستگی ملی است و همبستگی ملی می‌تواند در مقابل توطئه‌های دشمنان به کشور مصونیت ببخشد. دشمن از اختلافات سود می‌برد و از تشتت آراء مردم سوءاستفاده می‌کند. دشمن از دودستگی‌ها و فتنه‌گری‌ها و جنگ‌افروزی‌های داخل کشور استفاده می‌کند. وقتی یک ملت یکپارچه و یکدست باشد و مسئولان کشور همه با یکدیگر همدل و همراه باشند، شمشیر دشمن کند می‌شود و جرئت نمی‌کند به چنین کشور و ملتی نظر بد بیندازد و با او به چشم توطئه نگاه کند. مشارکت مردم در امر انتخابات می‌تواند این همبستگی ملی را در مقابل چشمان دشمن عنود و حيله‌گر به نمایش بگذارد و به ملت و کشور ما مصونیت ببخشد. لذا من بارها گفته‌ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهم‌تر است؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد.^۲

دوم: آسیب‌های ملی

[انتخابات] نشان‌دهنده‌ی عزم و اقتدار ملت ایران است. خب، گرفتاری‌هایی وجود دارد در کشور؛ خود آن‌ها هم می‌دانند. این تحریم‌های آن‌ها، به اضافه‌ی بعضی از کم‌کاری‌هایی که خود ما داریم، مشکلاتی برای مردم درست کرده، مردم گلایه‌هایی دارند، با وجود این، چون پای انتخابات

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۲. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت*؛ ۱۳۸۴/۰۲/۱۷.

در میان است، چون پای آبروی نظام در میان است، چون پای امنیت کشور در میان است، مردم می آیند وسط میدان؛ این نشان دهنده‌ی عزم ملی، اقتدار ملی و بصیرت ملی است.^۱

در جای دیگری فرموده‌اند:

انتخابات مایه‌ی عزّت و سربلندی و روسفیدی ملت ایران در دنیا پیش ملت‌ها است. همه‌ی بدخواهان و دشمنان اسلام سعی می‌کردند دین و اسلام و معنویت را نقطه‌ی مقابل مردم‌سالاری نشان بدهند؛ جمهوری اسلامی نشان داد که نخیر، ما چیزی داریم به نام «مردم‌سالاری اسلامی»؛ مردم‌سالاری است و درعین حال اسلامی است و از هم تفکیک پذیر هم نیست. این انتخابات نشان دهنده‌ی این است: مردم‌سالاری اسلامی. مایه‌ی افتخار است، مایه‌ی روسفیدی است، مایه‌ی عزت است، مایه‌ی قدرت است؛ ملت هم در انتخابات احساس می‌کنند که کلید کارهای کشور دست خودشان است. احساس می‌کنند آن‌ها هستند که می‌توانند معین کنند عناصر اصلی کشور را؛ این خیلی مهم است.^۲

سوم: آسیب‌های بین‌المللی

انتخابات حل‌کننده‌ی بسیاری از مشکلات بین‌المللی ما است. کسانی که ناظران بین‌المللی هستند، قضاوتشان نسبت به کشورها و برخوردی که باید با این کشورها داشته باشند به این چیزها خیلی وابسته است. ببینند مجلس این کشور - اگر مجلسی دارد - رؤسای این کشور چه جور

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۲. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش*؛ ۱۳۹۶/۰۱/۳۰.

انتخاب می‌شوند؟ به وسیله‌ی چه کسانی انتخاب می‌شوند؟ با چه حجمی از پشتیبانی انتخاب می‌شوند؟ این‌ها تأثیر دارد.^۱

چهارم: آسیب از دست دادن تصمیم‌سازی و کشف افکار جدید

انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی یک فرصتی است برای ورود افکار جدید، راه‌های نو در چرخه‌ی تصمیم‌گذاری کشور، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور. افکار نویی می‌آید، بخصوص ... آدم‌های درست و حسابی را بتوانیم پیدا کنیم و آن‌ها را انتخاب بکنیم، این تأثیر می‌گذارد و حرف‌های جدیدی وارد چرخه‌ی تصمیم‌گیری کشور و تصمیم‌سازی کشور خواهد شد و می‌توانند برای [حل] مشکلات کشور راه‌های تازه‌ای ارائه کنند، چاره‌اندیشی کنند و حرف‌های کارشناسانه‌ای بزنند.

مسئله‌ی اقتصاد خیلی مهم است که بنده همیشه تکرار کرده‌ام، مسئله فرهنگ خیلی مهم است، مسئله‌ی تقویت علمی و پیشرفت خیلی مهم است اما اساس همه‌ی این‌ها مسئله‌ی انتخابات است. انتخاب ما اگر یک انتخاب قوی و درست و عمومی باشد، به نظر من همه‌ی این مشکلات به تدریج حل خواهد شد. این نشان‌دهنده‌ی اهمّیت انتخابات است.^۲

پنجم: آسیب‌های اقتصادی

اقتصاد بریده و جدای از مشارکت نیست. مشارکت جدی و همبستگی بالای مردمی فرصتی برای رشد اقتصادی کشور را به دنبال دارد از این بابت حضور

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۲. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

پرسش ۱۵ ● ۱۰۳

هرچه بیشتر مردم در انتخابات می‌تواند نیرویی برای به حرکت درآوردن چرخ اقتصاد باشد.

پرسش ۱۶

آیا عدم شرکت در انتخابات به خاطر مخالفت با وضعیت موجود اقتصادی و کم‌کاری مسئولین، گزینه مناسبی است؟

یکم: انتخابات فرصتی برای انتخاب مسئولین لایق

بدون تردید یکی از مهم‌ترین عوامل دلسردی مردم نسبت به انتخابات کم‌کاری‌های برخی مسئولین مخصوصاً در زمینه‌های اقتصادی است. از جهتی دیگر می‌توان وجود برخی مسئولان بی‌توجه را ناشی از جدی نگرفتن انتخابات و یا باز گذاشتن فضا برای حضور افراد نالایق دانست. از این جهت حضور در انتخابات می‌تواند روشی برای کنار زدن این افراد باشد.

رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در موارد متعددی نسبت به وجود برخی مشکلات نکاتی فرموده‌اند:

ما مشکل اقتصادی داریم، شکی نیست؛ ضعف‌های گوناگونی بوده، ادامه پیدا کرده؛ این ضعف‌های اقتصادی وجود دارد، در این هیچ تردیدی نیست؛ این‌ها را به رخ می‌کشند، درحالی‌که اگر در یک موردی دقت بشود، تحقیق بشود، بیشتر این ضعف‌های اقتصادی هم به خاطر عدم حضور مردم است؛

آن جاهایی که مردم حضور داشتند، این ضعف‌ها کمتر است.^۱

دوم: انتخاب صحیح‌ترین گزینه

راه اصلاح وضعیت موجود، کناره‌گیری از مشارکت نیست چرا که عدم حضور در انتخابات مشکلی را حل نمی‌کند بلکه بر مشکلات می‌افزاید. مشکلات یک ملت تنها به دست خود آن‌ها و با اتکا به خداوند متعال حل می‌شود و هرگز هیچ بیگانه‌ای برای این کشور دلسوز نخواهد بود.

از سوی دیگر هیچ‌گاه کم‌کاری برخی از افراد نباید منجر به یکسان‌انگاری همه مسئولان و یا عدم شرکت در انتخابات شود. حقیقت آن است که باید منصفانه به مسائل نگریست و تلاش‌های مسئولان مخلص و پرتوان را انکار نکرد.

همچنین برخی از مشکلات اقتصادی، جهانی و محصول سیاست‌های مستکبرین است که همه کشورهای را درگیر کرده است و از این بابت مسئولین مقصر نیستند. همچنین شیطنان و اخلال در کار مسئولین را نیز باید علت دیگری برای وضعیت موجود دانست.

۱. سیدعلی خامنه‌ای (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۴۰۲/۱۰/۱۹.

پرسش ۱۷

برخی افراد مذهبی مدعی هستند از آنجایی که عالمان شیعه در اعصار گذشته از امور حکومتی رویگردان بوده‌اند، نباید در سیاست و انتخابات دخالت داشت. چه پاسخی به این افراد می‌توان داد؟

یکم: مشارکت ائمه علیهم‌السلام با حکومت‌ها به خاطر مصلحت اسلام

چنین برداشتی اشتباه و از روی عدم شناخت کافی از دین و مصالح اجتماعی اسلام است. نه تنها عالمان بزرگ دینی بنا بر مصالحی که خواهد آمد با حکومت‌ها تعامل داشته‌اند بلکه بالاتر از آن معصومین علیهم‌السلام و برخی از اصحاب تا جایی که اقتضا داشته است در تعامل با حکومت‌های وقت خود بوده‌اند.

برای نمونه «همکاری حضرت علی علیه‌السلام با دستگاه خلافت خلفای سه‌گانه؛ پذیرش منصب ولایت اهواز در دوران حکومت منصور دوانیقی توسط یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به نام عبدالله نجاشی؛ پذیرش منصب وزارت در زمان خلافت هارون الرشید از سوی علی بن یقطين به توصیه امام موسی کاظم علیه‌السلام؛

قبول ولایت عهدی مأمون عباسی از سوی امام رضا علیه السلام^۱ نمونه‌ای از این موارد بوده است.

دوم: مشارکت عالمان دینی با حکومت‌ها

عالمان دینی و بزرگان مکتب تشیع بنا بر مصلحت و به منظور جلوگیری از ظلم با حاکمان تعاملاتی داشته‌اند.

وزارت خواجه نصیرالدین طوسی در دستگاه سلطنتی هلاکوخان مغول؛ رابطه علامه حلّی با الحایتو سلطان مغول و در نهایت حضور و مشارکت سیاسی عالمان مشهور شیعه در حکومت صفوی، مانند محقق کرکی، شیخ بهایی، محمدتقی مجلسی، محمدباقر سبزواری آقا حسین سبزواری و علامه مجلسی و قبول مناصب و مشاغل سیاسی مذهبی توسط آن‌ها. همه این موارد گویای این حقیقت است که همکاری عالمان شیعی با حکام مسلمان شیعی و سنی به منظور ترویج دین و تقویت مبانی مذهب جعفری، امری جایز و گاه واجب بوده است. از این رو، اگر کسی به یکی از علمای بزرگ که مورد احترام دانشمندان دینی هستند، خرده بگیرد باید نسبت به عملکرد همه آن‌ها پاسخ‌گو باشد؛ زیرا انتقاد از برخی از آن‌ها در عمل مشترک دور از انصاف است.^۲

سوم: حکومت اسلامی آرزوی همه انبیاء و اولیاء علیهم السلام

اگر نگاه به انتخابات و اهمیت آن در ذیل حکومت اسلامی و پیشبرد اهداف آن تعریف گردد آنگاه مشخص می‌شود که تشکیل حکومت اسلامی در عصر ما یک

۱. فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی؛ شماره ۲۰؛ ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۲. همان؛ ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

فرصت بی نظیر و آرزوی همه انبیاء و اولیای الهی علیهم السلام بوده است. پوشیده نیست که احکام الهی تنها در صورتی قابلیت اجرا دارد که حکومت در دست متدینین باشد و چنین چیزی جز با مشارکت همه علاقه مندان به اسلام ممکن نیست. متأسفانه برخی افراد به خاطر بی اطلاعی از تاریخ یا داشتن روحیه‌ای ضعیف و عدم اتکا به خداوند متعال، قدردان این فرصت تاریخی نیستند و با کوچکترین مشکل، دست از حمایت از انقلاب کشیده و یا دلسرد و ناامید می‌شوند. در حالی که اگر از تاریخ آگاه بودند می‌دانستند که در قرون گذشته درخواست بزرگان شیعه از حاکمان وقت، به جلوگیری از شراب‌خواری یا کبوتربازی برخی جوانان و مسائلی از این دست محدود می‌شده است در حالی که امروزه در جمهوری اسلامی اهداف بسیار بزرگی که تصور آن در زمره محالات بوده، در حال اجرایی شدن است تا آنجایی که ایجاد تمدن اسلامی یکی از آن‌هاست.

مورخان نوشته‌اند بعد از اینکه در مراسم تاج‌گذاری شاه سلطان حسین صفوی، علامه مجلسی رحمته الله علیه با دست خود شمشیر سلطنت را به کمر شاه بست و خطبه مراسم تاج‌گذاری را نیز انشاء نمود شاه صفوی در مقام سپاس از این اقدام علامه اظهار داشت:

در عوض این خدمت چه خواسته‌ای دارند تا آن‌ها را برآورده سازد. علامه مجلسی رحمته الله علیه سه خواسته را عنوان کرد: نخست، منع شراب؛ دوم، منع جنگ طایفه‌ها و سوم، منع دستجات کبوتربازی. شاه خواسته‌های ایشان را پذیرفت و بی‌درنگ فرمان لازم را صادر کرد. در مورد خواسته دوم و سوم، باید اوضاع اجتماعی آن روز اصفهان و دیگر شهرهای ایران ملاحظه شود؛ چراکه در آن عهد، اشخاصی در پی ارتکاب این اعمال موجب اذیت و آزار شهروندان

می‌گشتند. جنگ طایفه‌ها هم که بنیان‌گذار آن شاه عباس اول بود، پیامدهای ناگواری از قبیل کشته و زخمی شدن عده‌ای بی‌گناه را به دنبال داشت، این دو مسئله از مسائل و مشکلات اجتماعی آن دوران محسوب می‌شد، به‌گونه‌ای که رفع این منکرات جز با فرمان‌های حکومتی امکان‌پذیر نبود.^۱

فهرست‌ها

- کتابنامه
- فهرست آیات
- فهرست روایات
- نمایه

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی یک جلدی؛ چ ۱، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۰ ه. ش.
۲. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (انسان و سرنوشت)؛ ج ۱، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ه. ش.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ چ ۲، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ش.
۴. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، چ ۲، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۶. آشنایی اجمالی با مجلس شورای اسلامی، مجلس راهبردی.
۷. آشنایی با مجلس شورای اسلامی: به ضمیمه کارنامه سال اول مجلس.
۸. پیرنیا، حسن؛ تاریخ ایران باستان؛ چ ۱، ج ۳، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۵ ه. ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله؛ ادب فنائی مقربان؛ ج ۱۰، چ ۱، قم، اسراء، ۱۳۹۶ ه. ش.
۱۰. حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد؛ دیوان حافظ؛ چ ۴، تهران، زوار، ۱۳۸۵ ه. ش.
۱۱. حسن عمید؛ فرهنگ فارسی عمید.
۱۲. حسین یوسف موسی. عبد الفتاح صعیدی؛ الإفصاح في فقه اللغة؛ ج ۱، ص ۱۵۶.

۱۳. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ برای حقیقت؛ صص ۶۷ و ۶۸ - برگرفته از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ با اندکی تغییر.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۹۶/۱۰/۰۶.
۱۶. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین؛ ۱۳۹۳/۰۹/۰۶.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ۱۳۷۲/۰۸/۱۲.
۱۸. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ۱۳۷۲/۰۸/۱۲.
۱۹. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی؛ ۱۳۸۴/۰۳/۰۵.
۲۰. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان همدان؛ ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.
۲۱. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان؛ ۱۳۹۲/۰۲/۱۸.
۲۲. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان؛ ۱۳۸۳/۰۴/۱۷.
۲۳. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۴/۰۱/۰۱.

۲۴. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش؛ ۱۳۹۶/۰۱/۳۰.

۲۵. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی؛ ۱۳۹۶/۱۱/۲۹.

۲۶. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت؛ ۱۳۸۴/۰۲/۱۷.

۲۷. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت؛ ۱۳۸۴/۰۲/۱۷.

۲۸. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۴۰۲/۱۰/۱۹.

۲۹. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۴۰۲/۱۰/۱۹.

۳۰. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار مردم قم؛ ۱۴۰۲/۱۰/۱۹.

۳۱. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۳۲. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۳۳. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۴/۰۶/۱۸.

۳۴. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۳۵. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۳۶. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۳۷. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

۳۸. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران؛ ۱۳۷۰/۰۹/۲۷.

۳۹. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۹۴/۱۱/۱۹.

۴۰. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
۴۱. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله)؛ دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت؛ ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.
۴۲. دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری؛ فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی؛ ۶۲، ج ۲۰ ش.
۴۳. دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه: فرهنگ متوسط؛ ج ۱، تهران، دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۹۰ ه. ش.
۴۴. دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه: فرهنگ متوسط؛ ج ۲، تهران، دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۹۰ ه. ش.
۴۵. روشنایی، علیرضا؛ استاد کائنات و کوه استقامت؛
۴۶. سرپرسی سایکس؛ تاریخ ایران، ج ۱، ص ۴۹۴.
۴۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۷، چ ۱، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ه. ق.
۴۸. غلامحسین مصاحب؛ دائرة المعارف فارسی.
۴۹. دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری؛ فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی؛ شماره ۲۰.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۱، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه. ق.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۲، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه. ق.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۸، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه. ق.
۵۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱، چ ۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
۵۴. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ قم، دارالهجرة، ۱۴۱۰ ق.

۵۵. محمدرضا جواد ییگانه، مجید فولادیان؛ مقاله «تبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن».

۵۶. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (علل گرایش به مادیگری)؛ ج ۱، چ ۸، تهران - قم، صدرا،

۱۳۷۷ش.

فهرست آیات

آل عمران (۲)

وَأَسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ... (۱۵۹) ۶۲

النساء (۴)

مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ (۷۵) ۴۱

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (۸۷) ۶۸

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۱۴۱) ۶۹

المائدة (۵)

هَهُنَا قَعِدُونَ (۲۴) ۶۹

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ (۲۶) ۶۹

النحل (۱۶)

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۴۰) ۶۷

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (۱۲۲) ۶۸

القصص (۲۸)

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵) ۶۹

يس (۳۶)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۸۲) ۶۷

غافر (٤٠)

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ (٢٨) ٦٣

الشورى (٤٢)

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ ... (٣٨) ٦٢

وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (٣٨) ٧٩

محمد (٤٧)

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ (٧) ٢٣

فهرست روایات

- ۳۸.....إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالصَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ سُوءٍ إِنَّهُ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا
- ۳۸.....أَمَّا عَلَامَةُ الْكَسَلَانِ فَأَرْبَعَةٌ: يَتَوَانَى حَتَّى يُفْرِطَ وَيُقَرِّطَ حَتَّى
- ۴۲.....مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ
- ۴۲.....اَللّٰهُمَّ اهْدِ قَوْمِي
- ۴۲.....بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ
- ۴۵.....إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبْهَةُ شُبْهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ
- ۴۵.....فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضِيَاؤُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَدَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى
- ۴۷.....دَعُهُ يَاعْتَارُ فَإِنَّهُ لَمْ يَأْخُذْ مِنَ الدِّينِ إِلَّا مَا قَارَبَهُ مِنَ الدُّنْيَا
- ۵۵.....الرَّجَاءُ وَضِدُّهُ الْقُنُوطُ
- ۶۳.....لَا مَظَاهِرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمَشَاوِرَةِ
- ۶۳.....وَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ

فهرست اشعار

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست..... ۵۶

راهرو گرسد هنر دارد، توکل بایش..... ۵۶

نمایه

		آ	
۷۳، ۵۴، ۲۲، ۱۵	ایران	۴۸	آذربایجان
۱۰۹، ۱۰۱، ۱۰۰، ۷۴		۷۶، ۶۵	آمریکا
		ا	
۸۵، ۶۵، ۶۱	ایرانیان		ابن سینا ۷۴
۱۰۷، ۶۷	ائمه عليهم السلام		قاجار، احمدشاه ۹۱، ۸۷، ۸۶
ب		۴۸	احمدی نژاد، محمود
۴۳	بسیج	۷۳، ۶۵	اروپا
پ		۱۰۹	اصفهان
۳۸	پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم	۱۰۸	الجایتو
ت		۱۰۸، ۵۵، ۳۸	امام صادق عليه السلام
۱۴	تمدن اسلامی	۶۳، ۴۵	امام علی عليه السلام
۹۱، ۸۹، ۸۶، ۴۸، ۳۹	تهران	۸۱	امپریالیسم
ح		۱۰۹، ۱۰۸، ۶۷، ۶۴، ۱۳	انبیاء عليهم السلام
۵۸	حسینی بهشتی، سید محمد	۹۰، ۳۲	انقلاب فرانسه
۱۰۸	حلی، حسن بن یوسف بن مطهر	۶۶، ۶۵، ۶۲	انگلیس / انگلستان
خ		۱۰۷	اهواز
۶۶، ۵۷	خمینی، سید روح الله (امام)		

خواجه نصیرالدین طوسی	۶۸، ۶۴	فارابی	۷۴
خوارزمی	۷۴	ق	
د		قاجار	۹۱، ۸۷، ۸۶، ۸۵
دوانیقی، منصور	۱۰۷	قاجار، محمد علی شاه	۸۷، ۸۶
دوگانه ملت - دولت	۳۳، ۳۲	قاجار، مظفرالدین شاه	۸۷
ر		قاجار، ناصرالدین شاه	۸۵
رازی	۷۴	قم	۱۵
رضایی، محسن	۴۹	ل	
س		لرستان	۴۸
سبزواری، آقا حسین	۱۰۸	م	
سبزواری، محمد باقر	۱۰۸	مأمون عباسی	۱۰۸
سید حقی، سید روح الله	۱۶	مجلس سنا	۹۱، ۹۰، ۸۹، ۶۲
ش		مجلس مهستان	۶۲، ۶۱
شمشیری، امین	۱۵	مجلسی، محمد تقی	۱۰۹، ۱۰۸، ۱۴
شیخ بهایی	۱۰۸	محقق کرکی	۱۰۸
ص		مدرس، سید حسن	۸۸
صفوی، شاه سلطان حسین	۱۰۹	مردم سالاری	۶۶، ۳۳
صفوی، شاه عباس	۱۱۰	مستشرقین	۳۹
ع		مستضعفین	۶۹
علی بن یقطین	۱۰۷	مصدق، محمد	۸۸
عقار بن یاسر	۴۸، ۴۷	معصومین علیهم السلام	۱۰۷، ۲۰
ف		معنویت	۱۰۱، ۶۰، ۵۹
		مغیره بن شعبه	۴۷

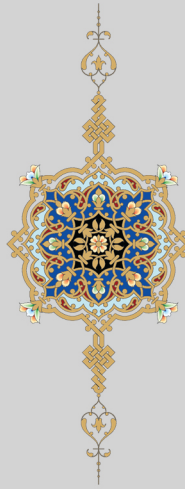
۱۰۷	موسی کاظم علیه السلام
۶۴	موسی علیه السلام
۱۸	مهدویت

ن

۳۳، ۳۲	ناآگاهی سیاسی
۱۰۷	نقاشی، عبدالله

ه

۱۰۷	هارون الرشید
۱۰۸	هلاکو خان مغول



اگر نگاه به انتخابات و اهمیت آن در ذیل حکومت اسلامی و پیشبرد اهداف آن تعریف گردد آنگاه مشخص می‌شود که تشکیل حکومت اسلامی در عصر ما یک فرصت بی نظیر و آرزوی همه انبیاء و اولیای الهی علیهم السلام بوده است. پوشیده نیست که احکام الهی تنها در صورتی قابلیت اجرا دارد که حکومت در دست متدینین باشد و چنین چیزی جز با مشارکت همه علاقه‌مندان به اسلام ممکن نیست. متأسفانه برخی افراد به خاطر بی اطلاعی از تاریخ یا داشتن روحیه‌ای ضعیف و عدم اتکا به خداوند متعال، قدردان این فرصت تاریخی نیستند و با کوچک‌ترین مشکل، دست از حمایت از انقلاب کشیده و یا دلسرد و ناامید می‌شوند. در حالی که اگر از تاریخ آگاه بودند می‌دانستند که در قرون گذشته درخواست بزرگان شیعه از حاکمان وقت، به جلوگیری از شراب‌خواری یا کبوتر بازی برخی جوانان و مسائلی از این دست محدود می‌شده است در حالی که امروزه در جمهوری اسلامی اهداف بسیار بزرگی که تصور آن در زمره محالات بوده، در حال اجرایی شدن است تا آن‌جایی که ایجاد تمدن اسلامی یکی از آن‌هاست.



ISBN 978-622-94992-9-0



9 786229 499290